

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

احمد میرفندرسی

مروری بر دکنترین رنگان

هادی بهزاد

سیاست دفاعی جدید امریکا

مسابقه تسلیحاتی در زمینه موشک های بالیستیکی (قاره پیمای) در چهارده سال قبل هنگام سفر تاریخی ریچارد نیکسون به اتحاد شوروی با اضمحلالی موافقت نامه سالت بین او و برژنف در مسکو محدود گردیده بود. اهمیت سالت ۱ که هنوز از درجه اعتبار ساقط نشده است ولی هر یک از طرفین متعاهدتین می تواند بنا بقیه در صفحه ۲

رونا لدریکا ن ۲۷ مه امسال فاتحه سالت ۲ (۱) را به شرح زیر خوانند: "تصمیمات استراتژیکی ما از این پس بدون توجه به قیود منسبت درج در موافقت نامه سالت ۲ و با در نظر گرفتن طبیعت و میزان خطرناکی از نیروهای شوروی اتخاذ خواهد گردید". با این بیان محدودیت های دست و پا گیر در مسابقه تسلیحاتی هسته ای از میان برداشته شد.

بی دریغ خط بطلان می کشند، حالا چه رسد که کسی کلامی هم از آینه و حکایت نظم جان نشین بگوید که یک پارچه آتش می شوند و تیغ اعتراض و شکایت بر سر می کشند که: چرا فلان و بهمان نمی جنبند؟ - چرا به قلم سخن "جسیده اند؟ چرا حرف را بجای عمل نشانده اند؟ - که عمل هم درقا موستان تنها در یک جمله، نه بیشتر و نه کمتر معنا شده است: "سرکوب بی درنگ رژیم ۱" - آنچه جز این بگوئید و بخواهید از آغاز تا انتها باطل است.

اصحاب عمل!

آرزوی نجات از جنگ رژیمی که بی هیچ مبالغه "جنایت و فاجعه" معانی عجیب و تازه ای بخشیده است، گاه بر روحیات بعضی چنان سنگینی می کند که بر امر "تدارک و راهیابی و تاءمل و طرح"

بحران در ارتش ایران

به گزارش عناصر صرملی، با وجود تهدیدهای مکرر رژیم، تعداد دسریان فراری از جبهه های جنگ در هفته های اخیر افزایش یافته است. سربازانی که به جبهه های سوما، تنها چند هفته آموزش نظامی دیده اند، از سوی دولت اسلامی با شتاب روانه خط مقدم جبهه ها می شوند و به علت عدم کارائی رزمی قادر به نبرد نیستند و از جبهه ها فراری می کنند. اخیراً لشکر سوم خرم آباد دو برورد که متشکل از اینگونه سربازان تعلیم نیافته بود، در ناحیه میهران در نخستین روزهای نبرد در صدمه از افراد خود را زدست داد. سربازان تعلیم ندیده و وخت زده، بر اثر مشاهده مرگ همکاران از همزمان خود ناگزیر یا به فرار گذاشتند. یکی از سربازان فراری می گفت در حالیکه عراقی ها از صدها تا یک و تویخانه و تجهیزات استفاده می کردند، ما با سلاح های فرسوده و تعدادی آتشبار در مقابل آن ها صف آرایی کرده بودیم. عناصر صرملی می افزایند با وجود تهدیدهای مکرر رژیم، با نزده درصد از افراد مشمول و سربازان، طی سه هفته اخیر از خدمت گریخته اند. بطور کلی وضع در درون ارتش خوب نیست و هر روز آشفته تری شود. دو ماه است که حقوق سربازان، درجده داران و افسران خط مقدم جبهه و نیز کمک عامله مندی افراد واحدهای سگانه ارتش برداخت نشده است و با وجود اعتراض های مکرر نشانه ای دال بر برداخت مزایای شغلی ارتشیان آن هم در شرایط سخت گرانی، مشاهده نمی شود.

عناصر صرملی در گزارش خود می گویند: اخراج یا انتقال کارمندان زن در ادارات ارتش که بنا به دستور خامنه ای طرح ریزی شده بود، دوباره از سر گرفته شده است و اوراقی میان کارمندان زن توزیع کرده اند تا وزارت خانه های راکه ما بیلند در آن ها خدمت نمایند، تعیین کنند. عناصر صرملی می افزایند: کار تحقیق نظامیان و مساءله انحلال ارتش مجدداً "جونگران کننده ای در ارتش بوجود آورده است. در مراسم رسمی ارتشیان را از سرهنگ به پایین به طرز توهین آمیز مورد با زسی بدنی قرار می دهند. بعنوان مثال، روز بقیه در صفحه ۹

بنا بر و تا ب آن میلیونها مردم که اگر چه با پای خود، اما در عین بیخبری وزیر رگبار تلقین ها به جبهه مصیبت لغزیدنند، تا منتظر نیست، تا آگاهی بجای خود، آن کسی که به درون شعبه های آتش دست و پا میزند و سوزن را با پوست و استخوان خود می کشد، بی ازاده به خود می پیچید و فریاد می کشد و مصلحتی به تفکر و چاره جوئی ندا رد نمی یابد - ولی ظاهر "قضیه و ازگون شده است - فغان و فریاد و التماس غالباً از جمع آنها می است که هر اندازه باخته اند - لا اقل از تنفس در فضا های آزاد باز نموده اند.

بقیه در صفحه ۱۰

سوریه - عراق

تعویق کنفرانس وزرای امور خارجه

روز سیزدهم ژوئن، دقایقی پیش از برپایی اجلاس وزرای امور خارجه سوریه و عراق خیرگزاریهای دو کشور گسزارش تعویق این دیدار را منتشر کردند، بدون آنکه تاریخ دیدار آینده را تعیین کنند. مقامات اردن که امید بسیار به این دیدار برای عادی سازی روابط دو کشور عرب بسته بودند، کوشیدند تا این تاخیر تعویق را ناشی از "جزئیاتی بی اهمیت" بقیه در صفحه ۱۰

گفتگوی اختصاصی با ژان - پیر پرونسل، روزنامه نگار و اسلام شناس:

بنیادگرایی اسلامی چشم بر آینده فرو بسته است

ژان - پیر پرونسل - هوگژ، دبیر و نویسنده مسائل اسلامی روزنامه لوموند، بسال ۱۹۴۰ در ماریس دنیا آمد. او که بر زبان عربی تسلط کامل دارد، سالهایی چند بعنوان نماینده روزنامه لوموند در الجزایر و مصر برورد. پرونسل - هوگژ در ادبیات و تاریخ و احکام اسلامی مطالعات وسیعی دارد و افزون بر آن به علت رابطه همیشگی با کشورهای مسلمان، در جریسان رویدادهای سیاسی و دینی این کشورها قرار دارد. بسال ۱۹۷۴، کتاب "قلمرو عرب" اثر پرونسل - هوگژ از طبع خارج شد که با تحسین اسلام شناسان اروپا و گشت، کتاب دیگر این نویسنده، "تخته نجات محمد" بسال ۱۹۸۲ طبع و نشر شد که بخش هایی از آن در قیام ایران ترجمه و طبع شده است.

قیام ایران در گفتگوی با این روزنامه نگار اسلام شناس به مسائل کنونی کشورهای مسلمان، نهضت های بنیادگرا و روی آوری این نهضت ها به خشونت و تروریسم پرداخته است که از نظر تان می گذرد. بقیه در صفحه ۴

ح. منکان

قضیه آن دو ذرع پارچه

زدن به جمهوری اسلامی چهره پاک فرزندان اسلام را در آن نظرها نیا ن ضایع کند. در نتیجه بجای آن که از همان ابتدا برده آزادی حقیقت برگرداند و آشکار سازند که تریاک ها را امپریالیسم نابکار در چمدان جای داده است دچار برانگیزه گویی شدند. ماد طبا طبائی به پلیس فرودگاه گفت این ها دو است و برای عمده ای که مریض است می برم. این، اولین اشتباه بود. بدلیل اینکه در مراحل بعدی صادق طبا طبائی نتوانست خودش را نسبت به موضوع بیگانه نشان دهد و مدعی شد که قربانی یک دسیسه امپریالیستی شده است. اشتباه دوم این بود که سفارت جمهوری اسلامی در جوا با استعلام پلیس، ماء موریت سیاسی صادق طبا طبائی را منکر شد و جوا با در چطور به خود تان اجازه می دهید که تصور کنید یک قاچاقچی می تواند از طرف جمهوری اسلامی ماء موریت سیاسی داشته باشد یا از آن بدتر، یک ماء مورسیسی جمهوری اسلامی ممکن است مرتکب قاچاق بشود؟ نتیجه اینکه دوروز بعد، وقتی از بیت امام دستور رسید به پلیس آلمان اعلام شود که صادق طبا طبائی سی داده است دیگر ماء موریت مهم سیاسی بوده است دیگر کارا زکار گذشته بود و نمی توانستند او را با عذرخواهی از زندان آزاد کنند.

بقیه در صفحه ۱۲

دو سال پیش، وقتی آیت الله زاده آقا سید محمد صادق سلطانی طبا طبائی اخ لزوج حاج احمد قانما بنده و بیوه امام خمینی هنگام ورود به خاک آلمان مورد سوء ظن قرار گرفت و چمدان او را گشتند و تصادفاً یک کیلو هفتصد گرم تریاک ناب زعفرانی محمول ما هان از داخل چمدان بدست آمد هنوز رهبران جمهوری اسلامی آنطور که با یدوناید از عمق توطئه های امپریالیسم آگاه می نداشتند و نمی دانستند این امپریالیسم نابکار است که تصمیم دارد برای ضربه

قابل توجه خوانندگان عزیز

بطوریکه ملاحظه فرموده اید ما از شماره ۱۵۲ قیام ایران یک فورم تقاضای اشتراک در نشریه چاپ کرده ایم. این فورم در این شماره و شماره های بعدی چاپ شده و خواهد شد. در نتیجه نشریه قیام ایران تا شماره ۱۵۷ مورخ ۵ تیرماه ۱۳۶۵ برابر ۲۶ ژوئن ۱۹۸۶ به آدرس های سابق کماکان ارسال خواهد شد. ولی از شماره ۱۵۸ مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۵ برابر ۳ ژوئیه ۱۹۸۶ - تنها برای کسانی که فورم اشتراک کنونی را تکمیل کرده و فرستاده باشند نشریه ارسال خواهد گردید. مشترکین عزیز که از طریق بانک یا پست وجه اشتراک را حواله می فرمایند باید الزاماً "قبض رسید بانکی یا پستی را ضمیمه نمایند.

تروریسم تبلیغاتی

و تروریسم دیپلماتیک

در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

پیش آگهی شش ماهه آن را فسخ کند در اینستکه موانعی سر راه تقویت بنیه دفاعی ضد موشکی طرفین قرار داده است. به عبارت دیگر هر یک از طرفین باید در پرا بردگری آسیب پذیر یا شدتاً اینکجه "تعادل وحشت" که مهمترین جنبه روابط دوا بر قدرت است محفوظ بماند. سی سال پیش از این پروفسور اوپن ها یمر دانشمند آلمانی که پس از جنگ جهانی دوم به خدمت ایالات متحده درآمد بود و معروف به پدر بمب اتمی است در بیانی بسیار رسا تعادل وحشت را چنین توصیف می کرد: "ایالات متحده و اتحاد شوروی با سلاح های هسته ای خود به دو عترب می مانند که در شیشه ای جدا دارند. هر یک میتواند دیگری را منتها به بهای جان خودش از بیسن ببرد."

تردید نیست سلاح مطلق آن خواهد بود که به ما حش اجازة دهد ضربه نا بسود کننده اول را بزند و از ضربه متقابل طرف مصون بماند. بدیهی است آرزوی هر دو ا بر قدرت دسترسی به چنین سلاح رسیدن به مرحله آسیب نا پذیری است. در حال حاضر تنها ایالات متحده است که تصویری کند با افراشتن "چتر ضد موشکی" در آسمان آمریکا خواهد توانست کشور را به مرحله آسیب نا پذیری برساند یا به عبارت دیگر ضربه تلافی جویانه را خنثی کند. چتر ضد موشکی با همان ابتکار دفاعی استراتژیکی (۲) (جنگ ستارگان) با قیود نا شی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ (۳) آغاز خواهد شد.

ریگان از آغاز با سالت ۲ که توسط کارتر و برزف در بین در هفت سال پیش به امضا رسید مخالف بود و در مبارزات انتخاباتی خود علیه کارتر از این موافقت نامه بعنوان "توافق قلابی" یاد می کرد ولی پس از حراز مقام ریاست جمهوری در صد فسخ آن بر نیامد و اظهار داشت ما دم که شوروی ها آنرا نقض نکنند ما آن را رعایت نخواهیم کرد. ولی جسته و گریخته انتقاداتی از سالت ۲ از طرف ریاست جمهوری و همکارانش بعمل می آمد. روش کج دار و مسریز درست همان رویه ای بود که ریگان در مورد سالت ۲ دنبال می کرد.

در مورد فسخ سالت ۲ دو عقیده وجود دارد. عده ای معتقدند ریگان با این فن می خواهد گوربا چف را در مذاکرات تحدید تسلیحات که در ژنو برگزار میشود مجبور به گذشت های عمده کند. جمععی دیگر این اقدام را به مراتب مهمترین نیرنگ سیاسی تلقی می نمایند و آنرا قدمی تاریخی در سیاست دفاعی آمریکا میدانند.

موافقت نامه سالت ۲ به طور کلی مربوط به تعادل و ترکیب سلاح های هسته ای است. تهاجمی می گردد. این موافقت نامه نه تنها به تصویب سالی آمریکا نرسید بلکه پس از تسلیم آن به سنا از طرف کارتر پس گرفته شد زیرا چو روابط بین واشنگتن و مسکو در نتیجه لشکر کشی شوروی ها به افغانستان طوری تیره شده بود که هیچ امیدی به تصویب آن نمی رفت. از این لحاظ از نظر سالت ۲ ایالات متحده فاقد اعتبار قانونی بود. ایراد دیگری که مخالفان سالت ۲ می گرفتند این بود که در موافقت نامه مذکور گذشت های بلاعوضی در مورد موشک های بالیستیکی (قاره پیمای) سنگین مستقر روی زمین نسبت با تعادل شوروی منظور شده بود.

اولیبل زمستان سال گذشته شایعه فسخ سالت ۲ قوت گرفت. زیرا همسان او ان گزارش مبسوطی در مورد نقض مقررات سالت ۱ و سالت ۲ از طرف اتحاد شوروی از کاخ سفید به کناره ارسال گردید.

آنچه به نظر کاخ سفید نقض مقررات سالت ۲ بشمار می رود اینستکه اتحاد شوروی گذشته از موشک اس اس ۲۴ متحرک و یک کلاهکی، موشک سنگین جدید اس اس ۲۵ با ده کلاهک به زرادخانه خود افزوده است. در صورتیکه بنا به مقررات سالت ۲ طرفین حق دارند فقط یک نوع موشک جدید داشته باشند. ایراد دوم اینستکه اتحاد شوروی موشک متحرک جدید اس اس ۱۶ به میدان آورده است. ایراد سوم اینستکه مسکو مرتباً هنگام آزمایش موشک هسلا علائم الکترونیکی را بشکل رمز بیسنه مهندسان مسئول مخابره می کنند در نتیجه امکان هر نوع کنترل و ممیزی کننده موافقت نامه پیش بینی شده است از بین می رود به عبارت دیگر معلوم

مروری بر دکتربین ریگان

سیاست دفاعی جدید آمریکا

نمی شود موشک ها از آزمایش خوب یا بد بیرون آمده اند. در مورد سالت ۱ یا آ ۱ بی. ام. ایرادی که به شوروی ها می گیرند اینستکه بر خلاف مقررات موافقت نامه در کرانها بارک واقع در قلب سیبری مجتمعی از اژدها های خیلی دقیق وجود آوردند. طبق موافقت نامه، نصب چنین اژدها های فقط در مرزهای کشور و آن هم بطرف خارج مجاز می باشد. به عقیده ناظران امور تسلیحاتی و سا ئل مربوط به خلع یا کنترل سلاحها رخ سالت ۲، ما نوری بیش نیست و هدف در واقع از میان برداشتن موافقت نامه سالت ۱ است. موافقت نامه مذکور چنانکه در بالا ذکر شد مربوط به تنظیم و گسترش و تحقیق در موشکهای ضد موشک است. از این جهت ما سعی بزرگ برای تحقیق درباره سلاحهای دفاعی و اجرای برنامه ابتکار دفاعی استراتژیکی یا جنگ ستارگان است. بنا بر این کاخ سفید در آینده بیش کم نزدیک مجبور به انتخاب بیسن رعایت موافقت نامه مربوط به موشکهای ضد موشک (سالت ۱) و ادا به برنامه ابتکار دفاعی استراتژیکی (جنگ ستارگان) خواهد شد.

پیشنهاد جدید شوروی

تحول اخیر در سیاست دفاعی آمریکا از نظر اتحاد شوروی مخفی نباشده است. برای مقابله با آن کرملین به کاخ سفید بطور نیمه رسمی اظهار داشته حاضر است به تقبیل فاحشی در سلاحهای تهاجمی تن در دهد به شرط اینکجه موافقت نامه سالت ۱ مورخ سال ۱۹۷۲ تحکیم گردد و ایالات متحده تعهد کند که موافقت نامه مذکور را تسلیت بیست سال دیگر محترم خواهد شمرد. در پیشنهاد اتحاد شوروی که به هر دری برای جلوگیری از اجرای برنامه جنگ ستارگان می زند یا به عبارت دیگر تمام کوشش خود را بکار می برد تا رقیب به سلاح مطلق دست نیابد نکته تازه که در واقع گذشت نسبتاً مهمی است وجود دارد و آن اینستکه تا کنون کرملین توافق در مورد سلاحهای تهاجمی را شرط به انصراف می چون و چرای ایالات متحده از تحقیق در زمینه ابتکار دفاعی استراتژیکی کرده بود. با پیشنهاد اخیر مسکو دیگر صحبت از انصراف کامل از تحقیق نمی کنند فقط خواستار تحکیم سالت ۱ یعنی موافقت نامه مربوط به موشک ضد موشک یا به سخن دیگر تدا بی دفاعی ضد موشک گردیده است بدین ترتیب مسکو به تحقیق وحشی بعضی آزمایش ها را می شده است. ریگان به هیچ عنوان حاضر نیست از ابتکار دفاعی استراتژیکی که در تصور او باید مایه برتری آمریکا بر روسیه شوروی و راه گشای سیاست و نسبت به کرملین گردد دست بردارد.

فلسفه سیاسی ریگان

برتری جوئی نظامی بخودی خود هدف نیست. وسیله ایست برای اجرای برنامه وسیعی که بر پایه جهان بینی و تفکر سیاسی رئیس جمهوری ایالات متحده استوار است. جهان بینی و تفکر سیاسی ریگان در اظها را تو بیام ه های متعدد با وضوح کم تر و بیشتر متعکس است. شاید گویا ترین آن ها بیام می باشد که در ماه مارس ۱۹۸۶ تحت عنوان "آزادی، امنیت ناحیه ای و صلح همه جانبه" به کنگرس فرستاد. در این بیام مهمترین مسئله سیاست خارجی آمریکا که مقابله با قدرت شوروی در جهان سوم باشد مطرح است. هدف اصلی ریگان در این بیام اینستکه به اتحاد شوروی گوشزد کند سیاستی که کرملین در دهه هفتاد اعمال می کرد دیگر قابل اجرا نیست. برای اینکجه جلوی چنین سیاستی را بتوان گرفت باید نفوذ شوروی را سد کرد تا بیش از پیش گسترش پیدا نکند. از این گذشته نباید گذاشت که مسکو مواضعی را که به جنگ آورده است تحکیم کند و در مرحله

توجهی دارد و آن اینستکه از این پس افراد مستبد و آزادی کشا عملاً اینکجه دوست یا دشمن ایالات متحده باشند به یک چوب را نده خوا هند شد. به عبارت دیگر ایالات متحده از این پس با هر گونه استبدادی اعم از راستی یا چپس مخالفت خواهد کرد. بدین ترتیب ایراداتی که به روش های ترومن و نیکسون گرفته می شد منتفی خواهد شد و شوراه برای پی ریزی و اعمال بیست سیاست خارجی که مورد قبول جریانات مختلف سیاسی باشد با زمی گردد.

ریگان با چاه امکانات و وسائلی خواهد سیاست اسناد و پس زدن را اعمال کند؟ پیش از اشارة به این وسائ و امکانات شکته ای را باید متذکر شد و آن اینستکه ما هیت دکتربین ریگان خوش بینی است بدین معنی که اوضاع را در دهه هشتاد سخت بروفق مرادوبسیار مساعد با نقشه های خود می بیند. در این ایام با عتقا در خان سیاست خارجی ایالات متحده موافق اتحاد شوروی در خارج از اروپا یعنی در جهان سوم روبه تزلزل است. دلیلی هم که می آورند اینستکه اتحاد شوروی در دهه هفتاد و یکی دوسال از دهه هشتاد پیش از توان خود گسترش پیدا کرده است. دیگر اینکه گرفتاریها و مشکلات داخلی مخصوصاً "اقتصادی روبه افزایش است."

گفته می شود تعادل نیرو خیرا " بسود ایالات متحده بهم خورده است و کفه کاخ سفید از لحاظ نظامی بر کفه کرملین می چرید. از همه مهمتر اینکجه در جهان سوم آزادیخواهی روز بروز بیشتر قوت می گیرد.

بعضی از ناظران موربین المللی به اندازه طراحان سیاست خارجی آمریکا خوش بین نیستند و معتقدند که ریگان به جهان از پشت شیشه کبود می نگرد. تا کنون شواهدی مثبتی برای اینکجه کرملین نمی خواهد یا اینکجه نمی تواند از سربرندگان خود در جهان سوم پشتیبانی کند وجود ندارد. البته این پشتیبانی تا کنون جنبه سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی و تبلیغاتی داشته است. ولی اگر قرار شود که سیاست اسناد و پس زدن بشدت دنبال گردد احتمال درگیری با اتحاد شوروی وجود دارد. از این درگیری آمریکا فقط با برتری نظامی بی چون و چرا می تواند پیروز بیرون آید. چنین برتری نظامی وجود ندارد.

قدرت انقلاب دموکراتیک

با فقدان برتری بی چون و چ برای نظامی و شکنج در درگیری خود در جهان سوم با مسکو یا بدسلاح دیگری بکار برود. طراحان سیاست خارجی این سلاح را که نه مالی است و نه نظامی در قدرت انقلاب دموکراتیک تشخیص دادند. در صورت درستی این تشخیص نکات مربوط به تعادل و برتری نیروها و ملاحظاتی از این قبیل چندان اهمیت نخواهد داشت و سیاست اسناد و پس زدن را میتوان به بیانی ناچیز به موقع اجرا گذاشت. کافیت آمریکا با زنده را از برنده تمیز دهد و به موقع اولی را راه کرده طرف دومی را بگیرد و برخلاف گذشته محافظه کاری زیادی را کنار گذاشته به استقبال تغییر و تحول برود. در اندیشه طرفداران دکتربین ریگان انقلاب دموکراتیک در سالهای آینده باید همان نقش فاطمی را که نهفت های آزادی بخش در دهه هشتاد و هفتاد با فسخ کرد بازی کند. به سخن دیگر به زور انقلاب دموکراتیک با بد مواضعی را که اتحاد شوروی با استفاده از نهفت های "آزادی بخش" بدست آورده است از چنگ بیرون آورد.

در دهه هشتاد انقلاب دموکراتیک باید فاتح گردد و جامعه آزاد جانشین جامعه مقید شود. توفیق در سیاست اسناد و پس زدن تا حد نسبتاً زیادی بستگی به پهنا و ژرفای انقلاب دموکراتیک دارد. به عقیده ریگان پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک است که جنگ های داخلی با این می پذیرد و امنیت ناحیه ای برقراری گردد و راه برای صلح کامل همه جا تهنه و پایداری هموار می شود. ذکر آنرا دکتربین ریگان در روابط جاری و شکنج با متحدان ایالات متحده و در مناسبات کاخ سفید با کرملین بماند برای فرصت دیگر.

نهایی با یاد آنرا از آن مواضع بیرون راند. به سخن دیگر قصد ناکی کشیدن خط بطلان بر تمام موفقیت های سیاسی اتحاد شوروی در دهه گذشته میباشد. ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم در برابر اشتهای سیاسی فراوان استالین با دکتربین ترومن سیاست اسناد را دنبال می کرد. بعبارت دیگر سدها شی جلوی سیاست نفوذی شوروی مخصوصاً در ایران و ترکیه و یونان بوجود آورد امروز ریگان سیاست اسناد را کماکان دنبال می کند. یعنی میکوشد مناطق جدیدی زیر نفوذ اتحاد شوروی قرار نگیرد ولی در عین حال به نیروهای که علیه رژیم کمونیستی و دست نشانده مسکو مبارزه می کنند هم جور کمسک می رساند. (کا میوج، افغانستان، در آنگولا). بدین ترتیب کار از اسناد گذشته در مواردی که افغانستان گویا ترین آنست به پس راندن کشیده شده است و وقتی ثابت شد رژیم های دست نشانده مسکو شکست پذیر است و انقلاب کمونیستی را می شود ریشه کن کرد زمین زیر کرملین بلرزه در خواهد آمد و اساس امپراطوری متزلزل خواهد شد. ولی ریگان در بیام خود نکته دیگری را هم متذکر میگردد و آن اینستکه جنگ های ناحیه ای که پای کرملین را به میدان بکشد برای روابط آمریکا و شوروی خطرناک و بحال ملی که خاکشان عرصه تاخت و تاز ا بر قدرت ها قرار گیرد بسیار مضراست. از این جهت صلاح در اینستکه طرفین در این قبیل اختلافات ناحیه ای سلاح را زمین بگذارند و در صدد جستجوی راه حل سیاسی برآیند.

راه حل سیاسی مستلزم مذاکره است. ولی مذاکره در چه مورد و چه وقت؟ اختلافات یا جنگ های با ملاحظاتی در حقیقت اسم جدیدی است که در روئی جنگهای داخلی گذاشته اند. تاریخ بشوایر از جنگهای داخلی است که خیلی بندرت اتفاق افتاده است که یک طرف جنگ داخلی در حالی که هنوز از دریا جدا است اسلحه را زمین بگذارد و دراز در مصالحه درآید. به نظر ایالات متحده مصالحه با اتحاد شوروی با پدیدار شدن قبول رژیم دیگر است و به سبک غربی صورت میگیرد. اگر اتحاد شوروی چنین شرطی را قبول نکند جنگ داخلی با این نخواهد داشت و تنها چاره آمریکا در این خواهد بود که به ریختن خون روسها هم چندان ادا به دهد. تصور نمی رود کرملین حاضر شود به طیب خاطر میدان را برای حریف خالی کند و با قبول دموکراسی غربی تیشه بریشه خود بزند و بساط فرما تراوشی را که طی چهل سال در گوشه و کناره دنیا گسترده است جمع کند.

سیاست واپس راندن

مقابله مستقیم جدی با اتحاد شوروی یا به عبارت ساده با روی منافع آن گذاشتن مستلزم داشتن امکانات و وسائ مناسب با این مهم میباشد. در گذشته ایالات متحده بهای بسیار سنگین برای سیاست اسناد پرداخت. سیاستی که مبنای آن دکتربین ترومن بود و سرانجام به فاجعه ویتنام ختم یافت. در اجرای این سیاست ترومن کندی و جانسون از جهان و مال آمریکا ثیمان ما به گذاشتند. نیکسون برعکس به پیروی از وصیت آیزنهاور که پس از تجربه کره آمریکا را از اعزام سرباز آمریکا به کازا رهای آسیای سخت منع کرده بود دکتربین گوآم را آورد و سیاست اسناد را بر پایه نوینی قرار داد و آن این بود که حاضر شد به مبارزان علیه کمونیسم و بویژه مخالفان گسترش نفوذ شوروی فقط کمک اسلحه مالی و لوژیستیکی بکند و لا غیر. بدین ترتیب سیاست اسناد از آن تر تمام می شد و لسی چندان موفقیت آمیز نبود زیرا در بعضی موارد مبارزان علیه کمونیسم دشمنان آزادی از آب درمی آمدند و کینه شدید مردم خود را علیه آمریکا برمی انگیزدند. دکتربین ریگان در مقایسه با طرز تفکر ترومن و نیکسون فرق قابل

- ۱- Strategie Arms Limitation
2- Treaty S.A.L.T حروف اول
3- Strat egie Defense Initiative
Anti Balistie Missile

گزارش‌های ایران

سرپرست بنیاد مستضعفان:

همه ما دزدیم!

رفتار دولت در شرایط موجود اقتصادی آمیزه‌ایست از حرکات فردی که بر پشت کالسکه‌ای نشسته که اسباب‌هاش مهار را گسسته و در کنترلش نیستند. شما خوب می‌دانید که مشخصه حکومت‌های توتالیتر نفوذناپذیری آن‌ها - استحکام نظام اجتماعی‌شان - جلوگیری از نشر خبر و گزارش‌هایی است که بنحوی آینده رژیم را تیره‌رنگ و نامطمئن جلوه می‌دهد. از آغاز گرفتاری نفت - بمباران خاگرک توسط عراقی‌ها و شروع کاهش قیمت‌ها ما می‌دانستیم که رژیم با مشکلات ویرانگری روبروست اما رژیم با حمایتی که فقط خاص رژیم‌های دیکتاتوری است به رجزخوانی‌های معمولی خود ادامه می‌داد و حتی تا اواسط فروردین ماه امسال، رهبران رژیم در نطق‌ها و پیام‌هاشان تا کیبند می‌کردند که همه چیز تحت تسلط است و ما حتی اگر یک بشکه نفت هم نفروشیم برنام‌ها می‌ماند و راطوری ترتیب داده‌ایم که نیازی به ارز نفتی نداشته باشیم. روز شنبه ۲۳ فروردین ماه آقای موسوی برای نخستین بار تاءکید کرد که در زمینه مور اقتصاد از سال ۶۳ فشار کمبود ارزی داشته‌ایم ولی افزایش‌های اقتصادی دشمن برای سرعت بخشیدن به تغییر الگوی مصرف به یک اقتصاد مستقل و قوی استفاده می‌کنیم. اما این تغییر الگوی مصرف که تصور می‌رفت برنام‌های گسترده، حساب شده و هم‌تک در پی‌گیری داشته باشد صرفاً "گریبنا نگیرد دوسه هزار بوتیک دار تهران شد آن هم به مدت چند روز و تنها نتیجه‌اش بی‌بهره‌ترین مغازه‌داران خیابان نشین که سودشان را می‌بردند و هم هوظنان بیگانه خود را هم نمی‌خوردند بصف مخالفین بود. تلاش‌هایی نیز از طریق بیانات آتشین آقای موسوی خوشی‌ها بمنظور خلع بد از زمین داران و سرما به‌داران صورت گرفت، چند هکتاری باغ میوه را هم در شمال موقتا "توقیف کردند اما اگر تمانده پولی هم که بعضی‌ها بکار می‌انداختند، حرکتی به‌بازار میداد به‌پستوها و قلکهای پلاستیکی کفاف آشیخ‌ها نه‌و با غچه‌ها برگشت، زمین‌ی نبود که تقسیم شود و اگر هم زمینی بود نه دولت هزینه‌های عمرانی و آبادی‌اش را داشت و نه دهقان بیچاره که گوسفند جوان‌هایش را هم در جبهه‌ها جنگ هدیه انقلاب کرده بود توش و توان عمران و آبادی‌اش را. بطوریکه بناچار بر اثر فشار جناح راست که روزبه روز ضعیف بیشتری از قدرت حکومتی را می‌خورد اختصاص می‌دهد آقای خوشی‌ها متهم به بیان افکار کمونیستی شود و در مجلس نمازهای جمعه گفتند که خلع یسد از زمین داران و سرما به‌داران نیازی به جو سازی ندارد چون اقتصاد کشور را همین جو سازی‌ها از رونق انداخته است. به‌طوریکه ایشان درسی ام‌فروردین ماه در سمینار هیأت واگذاری زمین مظلومان به‌فریاد آمد که "اگر کسی یا هرکس خواست صحبتی از این بکند که در رابطه با زمین و کشاورزی در ارتباط با حقوق آن کسی که روی زمین کشت می‌کند حرفی اگر خواست بزند بلافاصله متهم می‌شود به اسلام این حرف‌ها غیر اسلامی است، اسلام اقتصاد را اساس و پایه نمی‌داند... (نطق مظلومان) ایشان هم راه به‌جایی نگشود و سرما به‌های گریخته‌ازبازار به‌میدان بازنگشت. وضع آنچنان وخیم گشت که مردم با ملاحظه کاهش درآمد ارزی دولت و ترس از ضبط موجودی بانکی‌شان شروع به‌خارج کردن اندوخته خود از بانکها کردند بطوریکه دولت به‌ناچار مجبوره بی‌رمقی برای آقای دکتر نوربخش مدیرکل بانک مرکزی که شایعه‌اتراض و استعفا پیش‌هم‌جا بر سر زبان‌ها بود ترتیب داد و ایشان با چهره‌ای نزار و صدا بی‌شکسته بر صفحه تلویزیون آمار و ارقام حیرت‌آوری از افزایش حجم سپرده‌ها ارائه نمود اما جمله آخرین

وی در مورد میزان سود سپرده‌ها در سال ۶۴ همه رشته‌ها را بنیبه گرد و مناسبع اقتصاد فهمیدند که کاهش یک درصد از سود سپرده‌ها تا چندان‌ها شما پیش‌گرا اقتصاد دور شکسته دولتی است و مردم از خود می‌پرسیدند: آقای دکتر نوربخش تو که این همه چیده‌ای پس دنباه تا کو؟ در تحقیقاتی که در بانک مرکزی انجام دادیم متوجه شدیم که اولاً میزان ذخیره سپرده مردم در سال ۶۴ کاهش یافته است، ثانیاً "جنگ قدرت در بانک مرکزی بالا گرفته و جان نشین آقای دکتر نوربخش هم تعیین شده است و این شخص یک تحصیل‌کرده آمریکا به‌نام دکتر شیرانی است که عملاً "موربانک را اداره می‌کند و ظاهراً در چارچوب اسکناس‌های بی‌پشتوانه بین‌الشان و آقای نوربخش اختلاف نظر شدیدی پدید آمده و دولت از دست‌برد فروریختن باقی‌مانده اعتماد مردم به سیستم بانکی عملاً در عزل آقای دکتر نوربخش تردید دارد. خود آقای دکتر شیرانی در حضور جمعی از رؤسای طراز اول بانک مرکزی می‌گوید: ما عملاً نمی‌توانیم اعتبار ره‌های ارزی که به‌وسیله وزارت صنایع سنگین و سبک تصویب شده و فرستاده شده به‌پارادزیم. در اردیبهشت ماه امسال بانک مرکزی مجدداً "به وزارت صنایع که حدوداً ۷۵۰ میلیون دلار اعتبار خرید مواد اولیه با قطعاً بدهکی برای کارخانه‌ها صادر کرده بود اطلاع داد که حواله‌های ارزی خوبه‌ها مجدداً مورد تجدید نظر قرار دهند. تا بتوان فیکری برای تاءمین اعتبار کرد. کارکنان این وزارتخانه بیش از شش ماه است که در فشار مراجعات مکرر و بی‌وقفه تواءم با داد و فریاد و عریبه‌جویی مدیران صنایع هستند.

صفر کیلومترهای بسواد

راهروهای این وزارتخانه تبدیل به میدان مجادله و مباحثه و فریادهای آنجنانی مدیران صنایع شده است. قبل از سال جدید آقای بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین در نطقی خطاب به مدیران واحدهای تحت پوشش شکست برنام‌های صنعتی را به گردن کارهای اعتبارات ارزی انداخت اما آنچه که از بیانات ایشان در روزنامه‌ها چاپ شد دهها بار از زیر قیچی سانسور گزشت تازه همین نطق هم به‌وسیله اداره روابط عمومی وزارت صنایع سنگین تکذیب گردید و آن را بحثی غیر رسمی و خودمانی خواندند. یکی از کسانی که در این جلسه حضور داشت می‌گفت آقای بهزاد نبوی در مقابل شکست تمام برنام‌های وزارتخانه‌ها که گناه عمده آن را به‌دوش کمبود ارز انداخته است مدیران واحدهای بزرگ صنعتی را بی‌رحمانه زیر سؤال انتقاد گرفت و آن‌ها را بی‌سوادهای حزب الهی خواند و گفت ما یک مشت متخصص درجه یک را از مدیریت کارخانه‌ها برداشتیم و شما بی‌سوادهای بی‌عرضه و بی‌تجربه مقرر کیلومتر را بر کارخانه‌ها مسلط کردیم که حتی عرضه یک تصمیم‌گیری کوچک ندارند و تمام واحدها را با از کار انداخته‌اید یا بی‌رمق کرده‌اید و آنجا که به‌شما پول داده‌ایم که بروید کمبود قطعات خودتان را از خارج تهیه کنید نصف پول را بلاکشیده‌اید و بعد هم گریه‌کنان پیش‌من آمده‌اید که بله غریبه‌ها پول ما را بلاکشیده‌اند و ما می‌خواهیم قطعه بی‌ارزش را به‌شش برابر قیمت به‌ما بفروشند تازه عرضه اینکه به‌گمرک جمهوری اسلامی بروید و قطعات خریداری شده را ترخیص کنید. تاءمین و بی‌میلیون دلار قطعات خریداری شده در گمرک یا حیف و میل شده یا از حیزات انتفاع افتاده است.

آقای مهندس مظاهری سرپرست بنیاد مستضعفان در آخرین اجلاس مدیران حسابداری در سال ۶۴، پاشنه‌دهان را کشید و با صدایی که از خشم منفرجه شد فریاد زد: برای من ادعای بساکی نکنید، بکنفرتان نمی‌تواند ثابت کند که در بنیاد دزدی نکرده است. اگر کسی در میان شما هست که مدعی پاک‌است همین حالا از جا برخیزد و بگوید من دزدی نکردم تا پرونده دزدی‌اش را از توی کشوی میزم دربیاورم و بسه صورتش بکوبم. طبق اطلاع دقیقی از داخل جلسه حتی یک نفر از میان صد و اندی مدیران مالی بنیاد مستضعفان برخاست که بگوید من دزد نیستم بفرمائید پرونده مرا بیرون بکشید. این نمونه‌ای از فساد اداری در نهادهای انقلابی ست در باره سایر موسسات دولتی توجو حدیث مفصل بخوان از این مجل. حزب الله حاکم هر قدر بیشتر از درآمد نفتی محروم می‌شود فشار بر مردم بیشتر می‌شود. حق اشتراک آب در سال ۶۴ برای هر واحد به‌سی هزار تومان رسیده است: اشتراک برق به‌همین نحو تا پیرایتان جالب باشد بدانید که اخیراً "برای تاءمین برق شهرک‌های جدید و بی‌ساز گرفتن حق اشتراک کمرشکن به‌ساکتین شهرک‌ها تکلیف کرده‌اند که با بسد زمین و پول ساختمان پست برق را هم خودشان بپردازند. شهرداری تهران هزینه جدول کشی خیابان‌ها و کوچه‌ها را که بطور سنتی معمول می‌پرداخت در سال ۶۵ هزینه مزبور را هم از مردم می‌گیرد. بگذریم که برنام‌های درپیش است که مردم هزینه نظافت و حقوق رفتگر و پاسبان پست محل را هم بپردازند. بیمارستانی در کشور جمهوری زده‌ما را یگان نیست و حتی از زنان مفلوک روستایی که برای زایمان در بیمارستان دولتی بستری می‌شوند تقاضای پنج هزار تومان پول می‌کنند. کار در یوزگی و گدایی رژیم به‌تاج رسیده است که از مردم می‌خواهد یا به‌جبهه بروند یا میلیی به صندوق دولت بپردازند، به‌عبارت دیگر زنده‌ماندن هم در جمهوری اسلامی مالیات پیدا کرده است. به‌این ترتیب که در اغلب شهرهای ایران ورقه‌های مخصوص دا و طلب شرکت در جبهه را بین کسبه بخش کرده و ضمن جمع‌آوری تمام اطلاعات تجاری و خصوصی از زندگی کسبه، دست‌آورد رو‌تجه مزبور چنین آمده است: اگر به‌ر دلیل نمی‌توانید در جبهه جنگ تحمیلی حضور به‌مراسم نیسد فلان مبلغ را به حساب دولت جمهوری

اسلامی ایران واریز کنید. در بسیاری از شهرها این رقم بین ده تا سی هزار تومان است. و کسبه شهرها گدازنیمه دوم سال ۶۴ بارگود طاق فرسای روبرو شده‌اند علاوه بر پرداخت ارقام بالای مالیاتی و انواع عوارض و گنجهای نقدی و جنسی مداوم به‌جبهه‌ها بسد حداقل سی هزار تومان نیز بخاطر عدم شرکت مستقیم در جبهه‌نبرد به دولت بپردازند.

کسر سه روز حقوق

پرداخت حقوق کارمندان به‌تدریج برای رژیم مشکل می‌شود حقوق کارمندان و معلمان وزارت آموزش و پرورش که اغلب در ۲۸ هره ماه بعد از ریزش شده بود و طبق اطلاع طی صدور بخشنامه محرمانه‌ای به حسابدارهای ابلاغ شده است که در پرداخت حقوق اولویت‌ها را در نظر بگیرند. عیبی مختصر کارمندی که یک سکه بسا آزادی است بجز در زمان‌های انتظامی هنوز پرداخت نشده است. از طرفی کنگره کشورهای اسلامی کارمندان را تشکیل داده‌اند تا مقدمات کاهش حقوق کارمندان را فراهم سازند. در قطعنامه استکبار جهانی تصمیم گرفته‌ایم سه روز در ماه روزه بگیریم و از یک تا پنج روز حقوق خود را به دولت ببخشیم. این توصیه و پیشنهادشورای اسلامی ادارات در حقیقت پیش‌درآمد پرداخت ۲۵ روز حقوق در برابر یک ماه کار است که به دست عوامل جنایتکار رژیم در ادارات به‌مرحله عمل نزدیک می‌شود. این فشار بر کارکنان محروم واحدهای صنعتی نیز بی‌رحمانه اعمال می‌گردد. چگونگی اخذ اجاری یک روز حقوق کارگران به این ترتیب است که کسبه کارگر در برابر صندوق گفته می‌شود که به‌پیشنهاد شورای اسلامی کارخانه یک روز حقوق شما به‌جبهه اختصاص یافته است و ما آن را برداشت کرده‌ایم اگر مایل نیستید به جبهه کمک کنید می‌توانید نام‌های بنویسد و یکروز حقوق برداشتی را پس بگیرید. حال که کارگری است که جرئت کند و بیه‌خارج را به تن بمالد و سه روز بعد تقاضای استرداد کمک به‌جبهه را بنماید. بسا اینکه دوماه از سال گذشته بسا به‌سنواتی خدمت یکساله کارگران که بطور معمول روزی ۶ ماه می‌شود پرداخت نشده و تصور نمی‌رود امسال با به‌سنواتی خدمت کارگران پرداخت گردد.

ماجرای دو مدرسه خصوصی در تهران

روز پنجشنبه، هشتم خرداد ماه، عسده‌ای نوجوان در حالی که شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر فلولایت قتیله" می‌دادند و مدرسه‌ای چیت چیتان و مدرس را اشغال کردند. ما قبت کشمکش که از چند ماه قبل بر سر اداره‌ای این مدارس بین وزارت آموزش و پرورش و اولیای طاهرا "با نفوذ این مدارس در گرفته بود، به‌شیوه معمول جمهوری اسلامی به‌سود وزارت آموزش و پرورش خاتمه یافت. اما پیا مداهای این واقعه بیش از پیش به پیچیدگی وضع کمک کرد. دکتر شیبانی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی در مجلس بست نشست و با تحسن خود که چند روزی طول کشید، به‌این عمل کارگران وزیر در منطقه ۱۲ آموزش و پرورش اعتراض کرد. انجمن اولیا و مربیان دبیرستان چیت چیتان و مدرس از تحسن دکتر شیبانی که آن را با صفت "شجاعانه" ستوده بودند دفاع کردند و با حضور خود در منطقه تظاهراتی هم‌به‌راه انداختند. از آنجا که مدرسه‌ای مدرس پیش از سال ۵۷ همان مدرسه‌ای آمریکا می‌باشد، مسئولان منطقه با تحریک نوجوانان به این که اولیای دانش‌آموزان این مدرسه و مدرسه‌ای چیت چیتان طرفدار آمریکائی‌ها و بازگشت سرما به‌دار هستند، آن‌ها را به‌سود مدرسه فرستادند. جنس‌دروز بعد، در سیزدهم خرداد، روزنامه‌های رسالت مساجد شیبانی از عبدالحمین ساه، نماینده مجلس شورای اسلامی، چاپ

گفتگوی اختصاصی با ژان - پیر پرونسل هوگر، روزنامه نگار و اسلام شناس:

بنیادگرایی اسلامی چشم بر آینده فرو بسته است

بقيه از صفحه ۱

"برآمدن اسلام اجباراً نامطلوب نیست. اینکه مسلمانان به نیروی خود واقف می شوند هویت خود را با زمی یا بند درخور برزنش نیست، اما تا سفیرانگیزانست که این جنبش جدید اسلامی جز به گذشته نمی اندیشد. مسلم است که گذشته مهم است و ملتی که با گذشته اش قطع رابطه می کند، خود را از منبع مهمی محروم می دارد، اما باید به هردوسونگه کرد. به آینده نیز باید نظر داشت و دریغی که این نهضت های اخیر اسلامی به عقب با زمی گردند و این به نظر من خطرناک است و زهمین جا است که افراط های کنونی پدید می آید..."

ژان - پیر پرونسل - هوگر، روزنامه نویسنده "لوموند" و اسلام شناس هشیار وکنجکا و گفتگویش را با "قیام ایران" چنین آغاز می کند. پس از یادآوری این نکته که در فرانسه ۴ میلیون مسلمان زندگی می کنند و حضور آنان در کنار مسیحیان فرانسوی باعث هیچگونه برخورد عقیدتی نیست می افزاید:

"اعلامیه حقوق بشر که سال ۱۹۴۸ به تصویب سازمان ملل رسیده است سندی است ساده. من در برابر اعتقادات دینی و بیایدنولوژی های سیاسی به این سند برمی گردم. وقتی تحول کنونی اسلام را در مقابل اعلامیه حقوق بشر می گذارم، متأسفانه به اختلاف فاحش آن دومی رسم و این اختلاف فاحش همسروز در موضوع آزادی های فردی، آزادی مذهب و یا تطبیق قوانین جزایی افزونتر می شود. من که سالهای بسیار در کشورهای مسلمان زندگی کرده و همچنان به این کشورها سفر می کنم و سالهاست که متون اسلامی را مطالعه می کنم و قرآن و سنت و احکام اسلامی را بررسی می نمایم، متوجه شده ام که دین اسلام ضمن وفادار ماندن به بنیادها و اصول می تواند در عین حال با قرن حاضر نیز هماهنگ باشد. فی المثل این آیه معروف قرآن که می گویند: "لا اكره في الدين" اگر مورد عنایت حکومت های اسلامی، آیت الله ها و علما قرار بگیرد و این اصل صریح قرآنی را اجرا کنند، آن وقت جایی برای این مسکنت ها، حقارت ها، تجاوزه و افراطی که امروز بنام اسلام صورت می گیرد، باقی نمی ماند. آن ها برعکس به آیه های دیگر دست می آورند و در حالی که همانطور که بسیاری از علمای دین اسلام گفته اند، باید این آیه "لا اكره في الدين" اصل قرار بگیرد..."

در مورد حکومت اسلامی ایران، نویسنده "تخته نجات محمد" به اختلاف آراء مجتهدین اشاره می کند و می گوید:

"نگاه به گذشته مقدر و محتوم نیست. همین آیت عظام چه بسا یک روز ضرورت نگاه به آینده را درک کنند. هم اکنون شماری از روحانیان ایرانی در فرانسه، آلمان، عراق و مصر در تبعید بسر می برند و این رفتار و عقایدی بگلی مخالف با روحانیان حاکم دارند. این سنت قدیمی در میان روحانیان ایرانی وجود داشته است که تا وقتی امام غایب ظاهر نشده است، روحانیان نباید جز در شرائط فوق العاده در حکومت

شرکت جویند. آیت الله شریعتمداری این معناراً آشکارا بیان کرده بود و او تنها مرجعی از مذهب تشیع نیست که بر این عقیده است..."

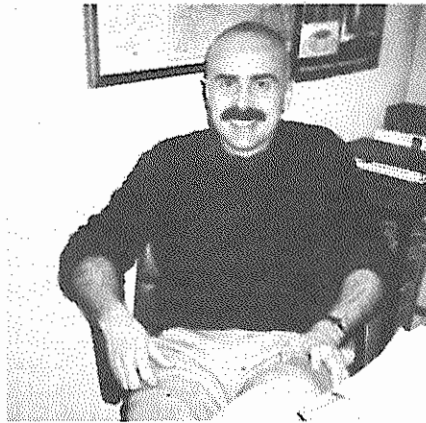
ژان - پیر پرونسل - هوگر، مثالهایی از "شرائط فوق العاده" که روحانیان ایران در امر سیاست دخالت کردند، بدست می دهد:

"در اواخر قرن نوزدهم، زمانی که انگلیسیان بر سر آن بودند که اختیار اقتصاد کشورشان را در دست گیرند (امتیاز زرویتس) آیت عظام به میدان سیاست کشیدند. بهنگام انقلاب مشروطیت ۱۹۰۶ و به قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی با زنیان هانشان دادند که می توانستند در مواقع حساس اظهار عقیده کنند. در هر سه مورد بسا، پس از زل و فصل مسائل سیاسی، روحانیان خود را از سیاست کنار کشیدند..."

با این مثالها، نویسنده کتاب "قلمرو عرب" آرزوی کند: "چون چنین سنتی وجود دارد، می توان امیدوار بود که بهار دیگر یک روز این سنت (عدم دخالت روحانیان در سیاست) در ایران مستقر شود. در حال حاضر مانع وسدی پدید آمده است. این حائل و مانع می تواند با زهم ادامه یابد، اما نه همیشه. وقتی چنین سنتی در تشیع ایرانی وجود دارد، همواره میتوان امید به بازگشت آن داشت..."

بالیدن و نوزایی اسلام در شکل تازه خود، مبارز طلب است. از بروزات اسلام و پسگرا معلوم میشود که فرهنگ غرب هدف نخستین است. پرونسل - هوگر، قبول دارد که اسلام شیعی به غرب دوستانه نگاه نمی کند و می گوید:

"این اسلامی که امروز می باشد و برمی آید ما غربیان را انسان ناقص می داند. من که همه آدمیزادگان را برابر می دانم، این نظریه را می دانم، اما می دانم، امروزه اسلام امروز که بنام "دارالاسلام" و "دارالحرب" تقسیم می کند. در لرحرب در نظر آنان کشورهای غیر مسلمان است که آنجا هر کاری و از آن جمله تروریسم، تبعیض به مبد درمغازه و قمار و غیره مجاز است. مسلم است که این بینش را مسلمانان نمی توانند بپذیریم و علیه آن بسا به شیوه ای اساسی مبارزه کنیم. در این نظریه بنیادگرایی یا نه چرتومه جنگ خانه دار و مسلم است که غربیان و یا ساده تر غیر مسلمانان نمی توانند قبول کنند که به آن ها به عنوان "انسان پست" نظر کنند و هر چه بخوانند انجام دهند، هیتلر هم چنین چیزی می گفت و عقیده داشت که چندین نوع افراد انسانی وجود دارند که برخی از آنان شیعیانند که مفرمایند و دیگران نه. آرزوی منم که ناچاراً از جنگی بشویم تا در مقابل این عقاید و پسگرایانه و تعصب آمیز مبارزه کنیم، اما موقعیت کنونی بسا نگران کننده، حتی خطرناک است..."



Jean-Pierre Péroncel-Hugoz

اسلام شناس فرانسوی در موضوع گسترش حکومت تشیع اسلامی، از نوع حکومت اسلامی خمینی - در دنیا، معتقد است که شورویا زگشت به بنیادهای اسلامی مسلمانان سنی را همانقدر برانگیخته است که شیعیان را. او در این باب با اشاره به این حقیقت تاریخی که اسلام در طول عمر خود دوره های گسترش و بالندگی و دوره های رکود و سردی داشته است و یادآوری این موضوع که گسترش تشیع ایرانی در عصر صفویان، حدود چهار قرن پیش پدید آمده است، می گوید:

"بنظر من در حال حاضر افراطیگری و یا بنیادگرایی اسلامی، مسلمانان سنی و شیعی را بیک اندازه جذب خود کرده است. فی المثل در لبنان، بنیادگرایی اسلامی نزد سنیان و شیعیان هر دو پدیدار شده است. حتی میتوان گفت که بنیادگرایی اسلامی در عصر ما در میان سنیان چشم بدنیا گشوده است: در مصر و در سالهای ۱۹۳۰ با قدرت یابی اخوان المسلمین، بنیادگرایی خاص ایران شیعی، نیز فرزند تنستن انقلابی است، زیرا خمینی خود عضو "فدائیان اسلام"، شاخه ایرانی ایرانی اخوان المسلمین بود. سپس میتوان داد دوستی همیشگی میان شاخه های اسلام دید. اگر فردا یک حکومت شیعی در بغداد برپا شود، من دلایل این پدیده را به آسانی درک می کنم. زیرا شیعیان در عراق اکثریت دارند در حالی که در لبنان در اکثریت نیستند، اما به شمار، در خورتوجه و نیرومندند و میتوانند در بخشی از لبنان حکومتی شیعی برقرار کنند. باری، این ها تحولاتی است که میتوان تصور کرد. چه کسی - فی المثل - فکرمیکرد که در سوریه، کشوری با یک اکثریت سنی اقلیتی شیعی (علویان) به حکومت برسد؟ من بنا بر آنکه از ترکیه برگشته ام که اسلام در این کشور بیختری در شور و غلبان است. شیعیان ترکیه (علویان) که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند همواره در موضوع اسلام و سیاست نقش مهمی بازی کرده اند. این شیعیان ترک همواره موافق و همراه با حکومت غیردینی و مخالف بنیادگرایی بوده اند، در حالیکه در ترکیه، این سنیان نند که طرفدار حکومت اسلامی خمینی اند و شیعیان علوی مخالف این حکومت و طرفدار مدرنیسم و لیبرال و دولت های غیر مذهبی. سپس میتوان گفت که تحولات امکان پذیر است. از این گذشته در حال حاضر شیعیان دنیا حدود ده درصد کل جمعیت، هشتصد، نهصد میلیون مسلمان را تشکیل می دهند و جز در عراق و ایران، در کشورهای شیعیان در اکثریت نیستند. اما این احتمال همیشه وجود دارد که کشوری با اکثریت سنی، شیعی شود و این امر در تاریخ روی داده است..."

پرونسل - هوگر برخاستن احساسات دینی را در کشورهای اسلامی دست کم نمی گیرد. او عقیده دارد که شور و هیجان بنیادگرایی همه جا در میان مسلمانان در حال حاضر، به چشم می خورد. می گوید:

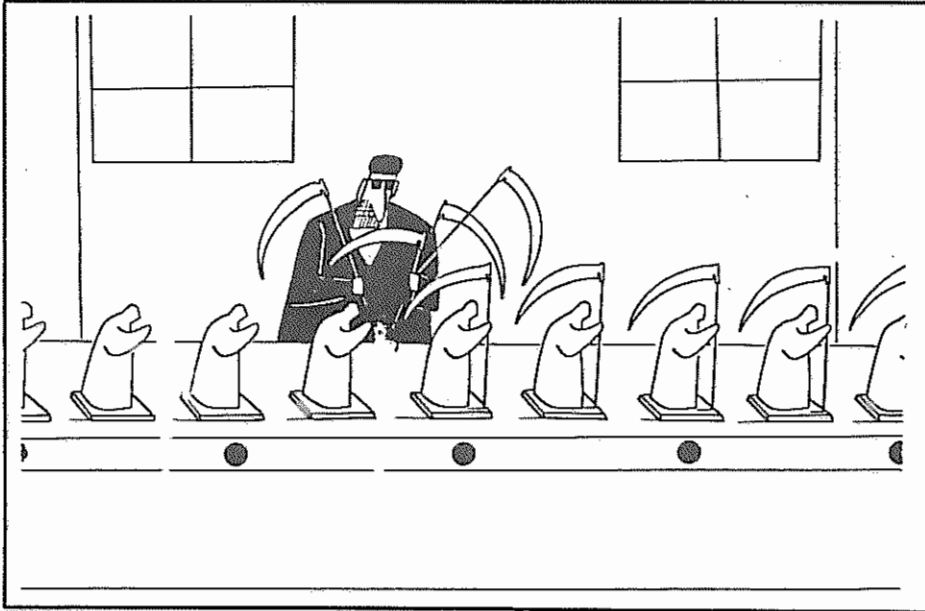
"چند هفته پیش در آفریقای سیاه بودم. این با لاکیری احساسات افراطی را در میان مسلمانان سنگال به چشم دیدم. علاوه بر این در اندونزی، مالزی فیلیپین و حتی در چین هم شور و هیجان با زگشت به اصل و بنیاد اسلامی، پیروان این دین را به تکاپو انداخته است. برخی از اینان طرفدار انقلاب اسلامی ایران اند و اگر چه این جنبش ها اقلیتی را جذب خود کرده است، اما مهم و در خورتوجه و فعال است و نباید از آن ها غافل ماند."

اگر بخواهیم از مهمترین جنبش های کنونی اسلامی نام ببریم طبعاً "متوجه حزب الله لبنان" می شویم که تحت تأثیر انقلاب ایران است اما بدست مسلمانان لبنان سا زمان یافته است. این جنبش اسلامی به جنگ مسلحانه علیه دشمنان دست زده است. گروگان می گیرد، بمباران می کند و چند سالی است که فعالیت هایش در اسلحه های بین المللی قرار گرفته است. اما جنبش های دیگر نیز وجود دارد. مثلاً "اخوان المسلمین مصر" که پیش از این نیز وجود داشت اما اخیراً "اهمیتی بسزا یافته است. قرابت هایی میان اخوان المسلمین امروز و انقلاب اسلامی مشهود است. در سنگال چندین سازمان کوچک اسلامی فعالیت می کنند که گفته میشود هزینه هایشان از سوی عربستان سعودی و ایران تأمین می شود. کشورهای دیگر هم کمک می کنند، این گروهها نیز بنیادگراییند، آنان از دواج زنان مسلمان را با مسیحیان قدغن کرده اند، فراماسونری را تحریم کرده اند و می خواهند آموزش زبان فرانسه را از مدارس حذف و بجای آن آموزش زبان عربی را اجباری کنند."

در همه کشورهای مسلمان جنبش های وجود دارد. در کشورهای غیر مسلمان نیز اقلیت های مسلمان به فعالیت پرداخته اند، مثلاً در فرانسه مسلمانان این کشور در پاریس، لیون و ماریس با استفاده از آزادی های که در کشوری چون فرانسه وجود دارد به نفع افکار بنیادگرایی دست به تبلیغات می زنند، کتاب و کاست و جزوه ها به زبان فرانسه و عربی میان مسلمانان فرانسوی توزیع می کنند و در مصر و در کشورهای اسلامی و پسگرا و ضد غرب هستند. اما نباید فراموش کرد که در برابر این جنبش های و پسگرایانه، دنیا ای اسلامی، شا هدنهضت های مدرنیست، آزادی طلب و مدارا جو نیز هست. این نهضت ها اگر چه ضعیف اند، اما وجود دارند. جز ترکیه که شیعیان آنجا موافق حکومت غیر مذهبی و دمکرات اند، نهضت های مترقی دیگر نیز در میان مسلمانان وجود داشته است. در ایران بهنگام انقلاب مشروطیت و با در عصر پهلوی، در ترکیه در عصر آتاترک، مسلمانان با نوسازی و ترقی طلبی و برقراری حکومتی غیر مذهبی همراهی کرده اند. در کشورهای دیگر نیز چنین جنبشهایی پدید آمده است."

این نهضت ها میتوانند با دیگر اهمیت یابند. مسلم است که این امر به خود مسلمانان مربوط می شود. اگر آزادگان و ترقیخواهان، هر اسلحه از خشونت ها و تروریسم بنیادگرایی دم فرو بندند بدیهی است که خطر تضعیف و نابودی این نهضت های آزادیخواهان در میان است..."

هفته آینده: عربستان سعودی و نهضت های بنیادگرایی



تروریسم تبلیغاتی و

تروریسم دیپلماتیک

در دهه ۱۹۷۰، سازمان های بسیاری از فلسطینی ها تقلید کرده اند. از سیتا میر ۱۹۷۰ بپس که سازمان های فلسطینی ناگزیر از ترک اردن شدند، لبنان اگر نه یگانه، که مهمترین کعبه آمال سازمان های فلسطینی شد. گروه های تروریستی، عملیات خود را به نفع گروه های دیگر سازمان می دهند، مانند عملیات ارتش سرخ ژاپن در فرودگاه "لود" تل آویو. عملیات تروریسم دولتی با سوء قصد در بازی های المپیک مونیخ علی-ه ورزشکاران اسرائیلی در سال ۱۹۷۲ چهره عام بخود می گیرد.

کارنامه تحول تروریسم چگونه است؟ از جهت نظامی، کارنامه تروریسم بسیار ضعیف است. حتی با محاسبات تقریبی آمریکا و فرانسه در لبنان به گفته سازمان تحقیقاتی آمریکا "راند"، تعداد کشته شدگان از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۵ در مقیاس مجموعه تروریسم بین المللی کمتر از ۴۰۰ تن بوده است. اما ماهیت تروریسم چیز دیگری است. تروریسم خشونت با رترین شکل جنگ روانی است. و این پدیده ای است بنیادی که رسانه های گروهی نیز در آن دمیده بزرگش کرده اند. پدیده ای است که به آن بیش از حد لازم بها داده اند، اما بهر حال دولت ها باید آن را جدی بگیرند. در همه موارد، هنگامی که عملیات تروریستی سخن می گویند، همواره باید ماهیت ایدئولوژی، هدف ها، و حامیان هر گروه خاص را مورد به مورد در نظر داشته باشیم. پدیده تروریسم نباید موجب روان پریشی گردد. باید خاطرنشان سازم که پدیده تروریسم هرگز نمی تواند ثبات یک دولت غربی را خدشه دار سازد.

"ژارشالیان" کارشناس مسائل ژئوپولیتیک و استراتژیک سال ها است که درباره انواع تروریسم، مطالعه و تامل می کند. تروریسم و نبردهای چریکی، "استراتژی نبرد چریکی و" "اطلس استراتژیک" از جمله آثار او است. "ژارشالیان" می گوید: تروریسم پدیده ای است که باید بدون هراس زدگی و روان پریشی، آن را تحلیل و بررسی کرد. و راه های مبارزه با آن را یافت. آنچه در پی می آید، بخش های اصلی مواجهه وی با روزنامه "لوموند" است (شماره ۲۵ و ۲۶ مه ۱۹۸۶)

در توکیو به مسأله تروریسم بین المللی توجه بسیار شد. رشد تروریسم بین المللی را در چند سال اخیر چگونه یافته است؟

تروریسم بین المللی در سال ۱۹۶۸ با ربودن دوهواپیما اسرائیلی شرکت آل-عال، توسط جبهه آزادی بخش فلسطین، به رهبری جورج حبش آغاز شد. این آغاز سمبلیک پدیده ای است که من آن را "تروریسم تبلیغاتی" نامیده ام. با این کار فلسطینی ها از یکسو خودشان را به دنیا نشان دادند و از سوی دیگر به ضعف خود اعتقاد کردند. چرا که تروریسم جانشین شیوه های چریکی ای می شد که فلسطینی ها قادر نبودند در سرزمین های اشغال شده شان بکار گیرند.

چهره يك تروریست مسلمان

میخواره، عاشق پیشه و ماجراجو

است که این جوان مهاجر که هفتاد و دو سال همندارد و معتاد، ترسو و سخت محتاط است، خودش را از سوداگران با زار تروریسم بین المللی وانمود کند؟ اما درست است با آنکه او هیچ آرمان سیاسی ندارد، خود را مزدور یک جنبش نامعلوم فلسطینی می خواند. حبیب از دیگر جزئیات دریغ نمی ورزد. وی تعریف می کند که روزی در یک میخانه در شهر "تولون" به یکی از نزدیکان ابونضال فلسطینی برمی خورد که مدارک شناسایی وی را با دو گذرنامه مراکشی عوض می کند و برای کار گذاشتن یک بمب ۳۰۰۰ دلار به او پیشنه می کند و حبیب نیز بمب را که در چمدان جاسازی شده از یک کشور خاور میانه به اروپا می آورد. حبیب همه نام ها را به پلیس می گوید و حتی سوء قصد نا فرج می راکه هیچکس جز پلیس از آن خبر ندارد، به خود نسبت می دهد. این جوان یکی از ده فرزند یک خانواده است که ظاهراً هیچ سوء ظنی به او و نمی رود. آدمی است گمنام. می توان

هفته نامه "اون مان"، چاپ پاریس، چهره یک تروریست حرفه ای را که عامل چند بمب گذاری خون بار بوده است، در شماره تازه خود، ترسیم کرده است. "اون مان" می نویسد: این تروریست حرفه ای که چند هفته پیش در شهر "نانسی در فرانسه" بازداشت شد، حبیب معمر نام دارد که جوانی است عاشق پیشه و شراب خواره که بمب هم کار می گذارد. توجه شما را به گزارش هفته نامه "اون مان" درباره زندگی و رفتار و کردار این تروریست حرفه ای که به سبب پرگویی اش به دام پلیس افتاده است، جلب می کنیم. "اون مان" می نویسد: در آغاز تصور می کنیم که حبیب معمر، یک حرفه ای غیرعادی است که گذشته ای تیره و سایدالود را در زیر زمین گذرانده است. هنگامی که در روز ۱۱ مه گذشته به گنا هان خود اقرار می کرد، هیچکس حرف های او را باور نمی کرد؛ چگونه

آخرین "بحرین تازه ای از تروریسم" اشاره کرده است. حکایت آن چگونه است؟ * اخیراً "تروریسم تبلیغاتی" روز به روز بیشتر به سوی تروریسمی از نوع "دیپلماتیک" گرایش می یابد. این تروریسم توسط بعضی دولت ها از طریق استخدام مستقیم یا غیرمستقیم گروه های تروریستی و یا صرفاً توسط مأموران دولتی اعمال می گردد. مقصود آن نیست که همه گروه های تروریستی مزدورند. برخی از آن ها مورد "حمایت" قرار می گیرند، و عده ای تحت "کنترل" قرار دارند. عده ای از گروه ها استقلال خود را حفظ می کنند، و بعضی نیز میان خود را عوض می کنند. مانند مورد ابونضال که از تحت حمایتی عراقی به تحت حمایتی لیبی درآمد. در میان رژیم هایی که از تروریسم به گونه خاصی از دیدلما می (اگر نکوئیم از سیاست) استفاده می کنند، به ویژه می توان رژیم سوریه، ایران، عراق و لیبی را برشمرد. - نتایج یورش آمریکا به لیبی را چگونه ارزیابی می کنید؟ * باید مدتی از این عملیات بگذرد. نتایج این عملیات را با دیدن از گذشت مدتی نتوان گفت. و نه بسیار زود، بررسی کرد. آمریکا تا پیش از آنکه به لیبی حمله کند، علامت های زیادی به لیبی داده بود: از جمله تهدید به مقابله به مثل، تجاوز به محدوده هوایی لیبی، تهدید به تحریم، و سپس عملی خشن آن، اما سرنگ قذافی هر بار با ادامه دادن به عملیات تروریستی خود به خشم آمریکا دامن می زد و بنا بر این می بايست منتظر یک پاسخ نظامی باشد. هر کس با پدایش را به اندازه گلیم خودش دراز کند. اما برگردیم بر سر تائیرات عملیات

امریکا در لیبی. نتایج این عملیات را تنها در رابطه با عامل زمان می توان بررسی کرد. از دید یک ناظر بی طرف، اگر آمریکا به سبب این اعمال باید منزوی شود، لیبی نیز همین سرنوشت را با پدیده شده باشد. هم این ها بگونه ای رخ داده اند که گویی نحاشی توسط دوبایزگر افراطی در حضور اکثریت منفعلی از تماشاگران بازی شده است. تماشاگران متوسط الحالی که هم از تماشا ای رضایت پنهانی یک طرف، وهم از خشم و نفرت بی حاصل طرف دیگر لذت می برند. - آیا عملیات آمریکا به تضعیف قذافی منجر می شود؟ * بنظر من، آری. به یاد داشته باشیم که این اولین جنگ سرنگ است، واقعه ای که از نظریه های باقیه تفاوت دارد. تهدیدهای تلافی جویانه سرنگ قذافی در منطقه مدیترانه به جامه عمل نشسته اند و او خود به انزوی نسبی خود در جهان بی برده است. این راه اضافی که رهبر لیبی برخلاف عقیده ای که عمومیست یافته است، از هیچ کس حرف شنوی ندارد. گمان می کنم که این دیدگاه وجود یک توطئه تاریخی، که غالباً در توضیح تروریسم به آن برمی خوریم، و حاکی از آن است که سراسر مجموعه تروریسم با رشته ای سرخ بهم می پیوندد، و نیز این که متحدان شوروی در این حال نقش پیاده های شطرنج را دارند به هیچ روی از تحلیلی جدی برخوردار نیست. حافظ اسد، رئیس دولت سوریه به هیچ وجه از اتحاد شوروی خشنمی گیرد. اگر او در کنار شوروی است، وقتی که آن روست که ضد آمریکا است، وقتی که مخالف شما در این طرف باشد، شما را می جز این ندارید که در کنار شوروی قرار بگیرید. در بعضی موارد خاص، وضعیت به دو قطبی شدن هم منجر می شود.

از آن مراقبت می شود منصرف می شود، بانگ اسرائیلی "لیومی" را طعمه خود قرار می دهد. حبیب از چشم همسایگان خود در شهر فرانسی نانس جوانی ست مؤدب و از میا چران مرغه به شماری رود. او که در شهر "بیزرت" در تونس بدنیا آمده است، در ۱۹ سالگی خانه پدری را ترک می کند و به موصل می رود تا با چهار برادر بزرگش در آنجا هستند زندگی کند. در ۲۱ سالگی به مزدوری شخصی بنام ابوالبراهیم (از مخالفان سازمان آزادی بخش فلسطین) درمی آید، تعداد زن برادرش را که بخاطر شرکت در نزاعی خونین در زندان بصری برده فریب می دهد. در سال ۱۹۸۲ برای گذراندن تعطیلات آخر هفته با او به لندن می رود. هنگامی که خبر انفجار در فروشگاه مارکز انداسینسر از امواج خبری بخش می شود او که سرش از ویسکی گرم است به دخترک اقرار می کند که: من بمب را کار گذاشته ام سال بعد از تعداد می خواهد که به جای او بمبی را کار بگذارد. دخترک در آخرین لحظه که قصد ترک محل بمب گذاری را داشته، بمب را خنثی می کند. البته این سیروفرها مانع از آن نمی شود که حبیب و شهادت صاحب دخترک کوچولویی نیز بشوند. هنگامی که حبیب در اوایل سال ۱۱ بقیه در صفحه ۱۱

فرهنگ ایران

آشنایی با متون فارسی

هفت پیکر نظامی

مجموعه زیبایی‌ها و شگفتی‌های هنر داستان سرایی

محمد جنز محبوب

مردم به هفت آسمان و هفت طبقه زمین و هفت سیاره و هفت فلز قائل بوده و زمین را مرکب از هفت اقلیم می دانسته و میان این پدیده‌های هفت گانه روابطی برقرار می ساخته‌اند. آنچه از این اعتقادها تا امروز درگاه شماری ملت‌های گوناگون جهان باقی مانده "هفت" است. در همه‌جا دنیا ماه‌ها، خواه شمسی و خواه قمری، به هفت‌ها تقسیم می شود و هر یک از روزهای هفته به سیاره‌های فلزی خاص منسوب است و رنگ و بوی و خوراک و ویژگی‌های خاص خود را نیز به آن منسوب می‌کنند. در روزهای شنبه و چهارشنبه را روز زهره گویند. در نزد فرانسویان شنبه روز خورشید و یکشنبه روز خدایت و آن که در زبان انگلیسی شنبه روز زحل و یکشنبه روز خورشید است. اگر هفت روز هفته را به ترتیب از شنبه تا جمعه (بسه آیین مسلمانان) بگیریم رنگ‌های وابسته به هر روز و هر سیاره به ترتیب نیلگون، زرد، آبی، نارنجی، سرخ، بنفش و سبز، یعنی رنگ‌های طیف خورشیدی است. هفت فلز وابسته به این هفت سیاره نیز عبارتند از: آهن، زر، سیم، قلع، مس، سرب، آهن و جیوه که به ترتیب به آفتاب، ماه، اورمزد (مشرقی)، ناهید (زهره)، کیوان (زحل)، بهرام (مریخ) و تیر (عطارد) نسبت داده می شوند.

داستان ساختن قصرها و گنبدهای رنگارنگ سابقه‌های سخت قدیم دارد و به دوران شاهنشاهی مادها می رسد. به روایت هرودوت دیاکو شاه ماد شهرمسدان را بساخت و در آن قصری برآورد که هفت حصار و هر حصار رنگی خاص داشت. این نوع رنگ آمیزی را در بابل از علامت ستاره‌های هفت گانه می دانستند و بروج معروف بابل نیز همین گونه رنگ آمیزی شده بود و رنگ کردن هفت حصار همدان تقلیدی از آن به شمار می رفت.

هر یک از اقلیم‌های هفت گانه زمین نیز به یکی از این ستاره‌ها و رنگ‌ها و روزها و فلزها بستگی داشت. اکنون، و با توجه بدانچه گفته شد می توان دریافت که مثلاً چرا در هفت پیکر آمده است:

"نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه و افسانه گفتم دختر پادشاه اقلیم اول"

"نشستن بهرام روز یکشنبه در گنبد زرد و افسانه گفتم دختر پادشاه اقلیم دوم"

و بر همین ترتیب تا روز هفتم (آدینه) که بهرام در گنبد سپید می نشیند و دختر پادشاه اقلیم هفتم داستان می سراید و جندی بس از پادشاهان یافتن افسانه‌ها و کتاب نیز به پادشاهان می آید.

پادشاه هر نخستین شب را که در شهبان شاه زاده‌های بسومی بگرد از او درخواست می کند که برای او فاسانه‌ای ساز کند و آنان همگی پس از درود به شاه و ادای احترام نسبت به پادشاه می گویند.

این هفت داستان هفت نمونه از بهترین داستان‌های کوتاه زبان فارسی است که بعضی از آن‌ها، بی‌هیچ اغراق و گزافه‌ای، با بهترین داستان‌های کوتاه دنیا برابر می‌کند.

نظریه خود در آغاز هفت پیکر می گوید که این داستان‌ها را از گوشه و کنار، از سوادیکارا و طبرستان فراهم آورده است. با این حال بیان فاخر و زیبا و در عین حال ساده، نظریه در هفت پیکر کوشش زیبایی آن‌ها را دوچندان کرده است.

هر شاه زاده خانم طوری داستان خود را طرح می کند و به پادشاه می آورد که با رنگ گنبدی که در آن سکونت دارد متناسب با خود در پادشاهان آن نیز رنگ گنبد خود را از سایر رنگ‌ها برتر می‌نهد و سخنانی در امتیاز آن نسبت به سایر پادشاهان می گوید.

علاوه بر این هفت قصه که در هفت پیکر آمده است، در متن سرگذشت بهرام نیز داستان‌های دیگری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها یکی "داستان بهرام با کنیزک خویش" "بیش از آغاز داستان‌های هفت گنبد و دیگری داستان پندگرفتن بهرام از رفتار شبان و رسیدگی به کار وزیر ستمکار خویش و کشتن اوست که پس از پایان داستان‌های هفت گانه آمده است.

نویسنده این سطور، هفت پیکر را شا هکار نظامی می شناسد و سال‌هاست که بر این عقیده است. البته این عقیده‌ای است شخصی و ممکن است گروهی بسا آن موافق نباشند، اما آنچه هیچ در آن تردید نیست موافق این است که باید شاهکار نظامی را در میان دو اثر وی: خسرو شیرین و هفت پیکر جستجو کرد و هیچ یک از کتاب‌های دیگر نظامی، به دلایل مختلف، در ردیف این دو اثر قرار نمی‌گیرد.

با آن که تمام داستان‌های هفت پیکر با زنگتنی قابل نقل و معرفی است، لیکن چون امکانات محدود است پس از این یکی از آن داستان‌ها، داستان شب اول و گنبد سیاه را که در عین حال از زیبا ترین داستان‌ها می‌باشد هفت پیکر شمرده می شود در شماره آینده به خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم.

هفت گانه اختصاص یافته است. نظریه خود می‌داند و با احترام تمام می گوید که پیش از او و فرودوسی سرگذشت بهرام را به نظم آورده است:

هر چه تاریخ شهریاران بود
در یکی نامه اختیار، آن بود
چاک اندیشه‌ای رسیده نخست
همه را نظم داده بود درست
مانده زان لعل ریزه لختی گرد
هر یکی زان قراضه جیزی کرد
من از آن خرده چون گهر سنجی
بر تراشیدم این چنین گنجی
آنچ از او نیم گفته بد، گفتم
گوهر نیم سفته را سفتسم
به همین سبب نظامی می گوید تا آنچه را که فرودوسی ناگفته گذاشته است بسراید. با این حال، بسرای شاعر - هیچ راهی جز سخن گفتن از زندگی بهرام - ولو به اختصار - وجود نداشت. از همین روی آنچه را که فرودوسی به تفصیل درباره بهرام در شاهنامه آورده است، از فرستادن بهرام به عربستان و نزد نعمان بن منذر، و سپردن ایرانیان پادشاهی کشور را به سردی و خسرو نام، و آگاهی یافتن بهرام و طلب کردن شاج و تخت، و ربودن تاج شاه از میان دوشیردرنده و جواد دیگری که در تاریخ زندگانی بهرام پنجم پادشاه ساسانی، معروف به بهرام گور، آمده است نظامی با اختصار تمام شرح می دهد تا بدان جا می رسد که بخشی از داستان بهرام از سوی فرودوسی ناگفته مانده است، و آن این که بهرام در آن هنگام که در عربستان می زیست و نعمان کاخ خورشق را بر سرای وی ساخته بود:

شاه روزی رسیده بود ز دشت
در خورشق به خرمی می گشت
حجرهای خاص دید در بسته
خازن از جستجوی آن رسته
بهرام می پرسد چرا در این حجره بسته است؟ و سپس سرای دار را می خواهد تا کلید در آن خانه را بدهد. شاه در راه می گشاید:

خانه‌ای دید چون خزانه گنج
چشم بیننده ز جواهر سنج
خوشتر از صد نگارخانه،
نقش آن کارگاه دست‌گزین ...
هفت پیکر در آن نگاشته، خوب
هر یکی زان به کشوری منسوب ...
هر یکی با هزار زیبایی
گوهر افروز نور بینایی
در میان، بیکری نگاشته نغز
کان همه پوست بود وین همه مغز
بر نوشته دبیر پیکر
نام بهرام گور بر سر او
کاین جهان جوی چون برآرد سر
هفت شاه زاده را ز هفت اقلیم
در کنار آورد جو در بتیم
و نویسنده در زیر آن تاء بید کرده بود که ما این گفته‌ها را از خود نگفته بلکه از احکام گردش اختران آن را به دست آوردیم. بهرام از دیدن این حجره بسیار شاد می شود و بیرون می آید و در آن را می بندد و به خازن تاء کید می کند که دیگر در آن راه روی کسی نگشاید.

چون بهرام به پادشاهی می رسد، و او پادشاهی است که هم فرودوسی و هم نظامی از مردم دوستی و ادبگستری و کفایت و لیاقت و کاردانی و لشکر آرائی او بسیار تعریف می کنند، پس از آرام ساختن مملکت و سرکوب کردن دشمنان به یاد آنچه در یکی از حجره‌های قصر خویش در عربستان دیده بود افتاد، و هفت نماینده به سوی پادشاهان هفت اقلیم فرستاد تا دختران ایشان را برای خود خواستاری کند. نظامی نام این دختران و نام کشورشان را نیز در متن شرح صورت هفت پیکر به دست می دهد. آنان عبارتند از: دختر رای هند به نام فورک، دختر خاقان چین، که بیخماناز نامیده می شد، نازیری دختر شاه خوارزم، نسرین نوش دختر سقلاک شاه (مردادشا هروس است چون سقلاک معرب کلمه اسلاو است)، آزرین دختر شاه مغرب، همای دختر قیصر و سرانجام دختر کسری از نسل کیکاووس موسوم به دژستی.

پادشاهان هفت اقلیم همه با دادن دختر به بهرام موافقت می کنند. بهرام نیز برای اقامت هر یک از ایشان گنبدی می سازد و آن را به رنگی خاص می آراید.

عدد "هفت" در ایران بلکه در جهان قدیم عددی بسیار مهم شمرده می شده است. قرن‌ها و هزاره‌ها

نظریه گنجوی، بزرگ‌ترین شاعر داستان سرای ایران دارای پنج کتاب منظوم است که آن‌ها را در اصطلاح "خمس" یا "پنج گنج" می نامند. این پنج کتاب، به ترتیب تاریخ سروده شدن، بدین شرح است:

- ۱ - مخزن الاسرار - خسرو شیرین ۳ - لیلی و مجنون
- ۲ - هفت پیکر یا بهرام نامه ۵ - اسکندرنامه
- ۳ - آخرین کتاب نظامی - اسکندرنامه
- ۴ - اسکندرنامه

از یکدیگر است و شاعر بخش نخستین را که شرح جهانگیری‌های اسکندر است "شرف نامه" و بخش دوم را که داستان جهان‌نداری او و محتوی آداب و آئین پادشاهی و مردم‌داری است "اقبال نامه" نامیده و هر یک از آن دو بخش را به یکی از حکم‌رانا ن پیشکش کرده است.

با آن که در تمام این کتاب‌ها از داستان و داستان سرایی و بزم آرای می توان نشان یافت، اما مخزن الاسرار - که از نظر شعری دشوارترین اثر نظامی نیز هست - در حقیقت کتابی است عرفانی و صوفیانه و بسا اندک مساجد می توان از نظر مضمون و معنی، آن را در ردیف مثنوی‌های سنائی و عطار قرار داد.

دو داستان بعدی - خسرو شیرین و لیلی و مجنون - هر دو داستان عاشقانه است و گویا خسرو شیرین نظامی معروف‌ترین اثر وی نیز باشد و گروهی از محققان و اهل ادب آن را شاهکار نظامی دانسته‌اند.

در داستان خسرو شیرین، یک داستان عاشقانه فرعی دیگر نیز مطرح می شود و آن داستان عشق فرهاد به شیرین است که در حقیقت صحنه‌های عاشقانه واقعی است و کتاب را تشکیل می دهد. عشق فرهاد به شیرین نیز مانند عشق مجنون به لیلی به ناکامی و مرگ عاشقان منتهی می شود.

هم خسرو شیرین، و هم لیلی و مجنون دارای صحنه‌های بسیار زیبا و موه‌ثر هستند که بی هیچ شبهه‌ای از شاهکارهای جاویدان شعر فارسی است.

چون سخن اصلی ما در این گفتار، درباره هفت پیکر است نخست، و پیش از نوشتن، چند کلمه‌ای نیز در باب اسکندرنامه می گوئیم و سپس بر سر گفتگو ز هفت پیکر می رویم.

اسکندرنامه در حقیقت اثر حماسی نظامی است. با آن که نظامی هم در خسرو شیرین و هم در هفت پیکر به تجلیل استاد طوس فرودوسی پرداخته و با احترام فراوان از سخن گفته است، اما کتابی را که به پسوی روی مستقیم از شاه نامه فرودوسی سروده و در سرودن آن به حماسه جاویدان استاد طوس نظر خاص داشته اسکندرنامه است. اکنون مقام پیش از این سخن گفتن در باب این زمینه نیست، فقط گوئیم که نظامی اسکندرنامه را در پایان عمر و در منتهای پختگی طبع و بلاغ و ذوق و هنر خویش سروده است و انصاف، از نظر زیبایی لفظ و فصاحت و روانی بیان و سادگی شعری توان اسکندر نامه را از تمام آثار نظامی برتر دانست، و شاید از همین روی است که این کتاب در میان فارسی زبانان غیر ایرانی بیش از هر کتاب دیگر نظامی شهرت دارد و مثلاً در هند و پاکستان بر شرف نامه و اقبال نامه، نظامی شرح‌های فراوان نوشته اند و بخش‌هایی از آن را در جزه درس‌های مقدما می طلبان علوم دینی برای آموزش زبان فارسی قرار داده‌اند.

با این حال، در ایران اسکندرنامه به اندازه دیگر آثار نظامی شهرت نیافته است و ظاهراً علت آن این است که مردم ایران اسکندر را دوست نداشته‌اند و نمی‌دارند. تا دوران ساسانی وی را اسکندر گجسته (= ملعون و مطرود) می خواندند. بعد از اسلام نیز با آن که کسانی که صدمه هجوم‌های اسکندر به ایشان نرسیده بود برای او داستان‌ها ساختند و حتی او را به پیغمبری رساندند، اما کسی اسکندرنامه نظامی را نخوند تا بدان جا که اگر تمام کتاب‌های نظامی یک جا و در یک مجلد چاپ نمی شد و هر یک جداگانه است و انتشار می یافت تعداد خواستاران و خوانندگان اسکندرنامه ده یک دوستداران خسرو شیرین و لیلی و مجنون و هفت پیکر نیز نبود. نظامی تمام ششرايط سخنوری و استادی در فن شعر را در سرودن اسکندرنامه مراعات کرده، اما قهرمان داستان را درست انتخاب نکرده است. اگر تمام مردم دنیا اسکندر را دوست بدارند و وی را "اسکندر کبیر" بخوانند، ایران‌نشان با ری او را دشمن خواهند داشت.

هفت پیکر، با بهرام نامه، با هفت گنبد چهارمین کتاب نظامی است. نظامی سرودن آن را در سال ۵۹۲ هـ/ ۱۱۹۷ م. به پایان آورده و آن را به فرمان روی مومل تقدیم داشته است. این کتاب جمعا "دارای ۵۱۳ بیت است که نزدیک دوهزار بیت آن در آغاز داستان، یعنی مقدمه‌های معمولی کتاب و شرح زندگانی بهرام گور است. پس از آن هفت داستان کوتاه در کتاب آمده است (شرح آن خواهد آمد) و پس از پایان یافتن آن داستان‌ها با ۶۶۴ بیت دیگر سرگذشت بهرام به پایان می آید. در حقیقت نیمه‌ای از این کتاب به شرح زندگی بهرام گور و نیم دیگر از آن به گفتن داستان‌های

نمایندگان مخالف دولت حق سخنرانی ندارند

می کند و در تلفنی که آقای حسینی به سپاه یا ساداران زده بودیدید " سپاه را زیر سؤال بردند که شما حق ندارید این فرد را دستگیر کنید. سپس وزیر کشور گفت این شخص با مسئولان نهادهای که از سوی نماینده مجلس داشته وارد صفوف نماز جمععه میشود و با ردیگر این اعلامیه را بخش می کند که در آنجا طبق دستوری که نیروهای انتظامی داشتند که سرانجام فراری با پیداستگی و تحویل وظیفه عمومی کردند فرما نداد سیرجان از شهر نی میخواستند که این فرد متخلف را دستگیر کنند و تحویل وظیفه عمومی بدهند و این کار صورت می گیرد و بعد از نماز جمععه هم اعلامیه ها در اختیار ربرادران سازمان تبلیغات اسلامی قرار می گیرد.

وزیر کشور افزود آنچه که در ستاد دهه فجر سیرجان صحبت شده این است که با توجه به جوی که در آنجا حاکم است صحیح نیست مردم توقع ندارند و نمیتوانند تحمل کنند یک نماینده ای که شهرت پیدا کرده و در گذشته با دولت آقای موسوی مخالف بوده مسردم نمی پذیرند که چنین فردی در دهه فجر بیاید اینجا سخنرانی کند بر این اساس برای اینکه جلوی تشنج و آشوب و تنش گرفته بشود صلاح نمی دانیم که ایشان در اینجا سخنرانی کنند. علیرغم اینکه در ستاد دهه فجر در شهر سیرجان این تصمیم گیری صورت گرفته و مدعیین مشخص شدند و سخنرانان هم معین گردیدند و دعوت شدند. ستاد تبلیغات خودش مستقلا رفته است یک سری افراد را دعوت کرده است از جمله سیرجان عزیزان آقای با دا میچیان را و این سخنرانی هم در روز بیستم بهمن ماه در آن شهر صورت گرفته و آقای با دا میچیان هم در جمع اندکی سخنرانی کردند. در حالیکه در آن روز هزاران نفر از مردم شهر عازم جبهه ها بودند و در خیابان ها رژه می رفتند و فرما نداد ما با تدبیر و درایت این امنیت را برقرار کردند و اجازه ندادند که هیچگونه تشنجی در شهر ایجاد بشود.

پس از توضیحات وزیر کشور نماینده سیرجان به دفاع از خود پرداخت و گفت آقای وزیر کشور بنده را متهم کردند که از سربازی فراری حمایت و کفالت کردم این مسئله را ایشان باید ثابت کنند. آقای وزیر محترم کشور این دروغ و تهمت است و گزارش خلاف واقع بعرض شما رسانند. و اینکه میفرمایند اوراقی که فرمایند حضرت آیت الله العظمی منتظری روی آن چاپ شده بعد از نماز جمععه توزیع شده است در حالیکه این دروغ است و در روز بعد توسط پسر رئیس عقیدتی سیاهی شهر بانی آن اوراق از توقیف شهربانی خارج شدند بنا بر این من از توضیحات وزیر کشور قانع نشدم و سؤال را به کمیسیون سئوالا تراجاع مینامیم.

آن گروه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در بازسازی سال گذشته هنگام معرفی مجدد آقای میرحسین موسوی بعنوان نخست وزیر به وراعی اعتماد شده اند، همه جا با حملات و هجو و توهین های حزب اللهی ها و طرفداران نخست وزیر و بیرویه هستند. دشواری این گروه صدق تری که راهی کی بود و ممتنع به موسوی داده اند آنست که آیت الله خمینی پیش از معرفی دوباره آقای موسوی بعنوان نخست وزیر بعلت مخالف شدید مجلس با وی، سه بار پیش از آن که آقای موسوی دولت خدمتگزار و متعهد و موء من " دفاع کرد، گروهی از نمایندگان مجلس اسلامی طوسی نامه ای خطاب به آیت الله خمینی با دآور شده بودند: " بعلت وضع فوق العاده مملکت و تاءکید قانون اساسی بر آزادی رئیس جمهوری در معرفی نخست وزیر و با توجه به عملکرد دولت در گذشته ... از رهبران انقلاب درخواست رهنمود و ارشاد داریم و خمینی در نامه جوابیه خود به این گروه نمایندگان، با ردیگر تاءکید کرد که: " در حال حاضر بر برای حفظ وحدت و جلوگیری از تبلیغات سوء دشمنان، بهتر آنست که دولت متعهد و موء من بر سر کار باقی بماند.

به این ترتیب پس از رای گیری، این صدمنا ینده مخالف با دولت به صورت مخالف با ولی فقیه مورد خشم قرار گرفتند. بسیاری از آنان در هفته ها و ماه های بعد در حوزه های انتخابی و یا در مجامع مورد شدید ترین ناسزا ها قرار گرفتند. تنی چند از آن میان به دست " امت حزب الله " مغرور و مضموم شدند و با این همه هنوز درگیری با این نمایندگان مخالف دولت پایان نیافته است. در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز ۲۵ اردی بهشت ماه، آقای سید احمد حسینی نماینده سیرجان و مخالف دولت، ناچار از طرح سؤال از وزیر کشور رژیم شده است. این شرح را از روزنامه کیهان (چاپ تهران) مورخ ۲۷ اردی بهشت ماه می آوریم تا گوشه ای از فضای چند دستگی و درگیری ها را در درون حاکمیت آخوندی روشن کرده باشیم.

شما می دانید که ستاد های نماز جمععه برای کنترل و نظارت و برقراری نظم و انضباط در سراسر شهرستان ها و شهرهایی که نماز جمععه برقرار است، تشکیل میشود. در ستاد نماز جمععه فرما نداد سیرجان هم عضویت دارد. در آن ستاد که ما هم جمعهم نظردا رد گذشته تصمیم گیری شده بود که هرگونه بلاکارد و اطلاعیه و اعلامیه ای باید با نظر ستاد نماز جمععه و موافقت آن توزیع بشود تا خللی در نظام نماز جمععه پیش نیاید. و این اعلامیه در آن ستاد مطرح نشده بود، و وقتی که در آن روز این اعلامیه توزیع میشود بنظر ستاد این اعلامیه ها از افرادی که آن را توزیع می کردند گرفته میشود و به آن ها تذکره داده میشود که بعد از پایان نماز جمععه تحویل شما داده میشود که ایس کسار هم صورت گرفته است.

وزیر کشور پس گفت: سربازی که ۳ سال از رفتن به سربازی غیبت کرده و در تاریخ ۶۴/۱۱/۷ این سرباز به وسیله شهربانی دستگیر و به اداره وظیفه عمومی تحویل داده میشود، برادرمان آقای حسینی با این موضوع مخالفت کردند و آمدند با کفالت و ضمانت این سرباز وظیفه را که ۳ سال غیبت کرده آزاد کردند. تا اینکه خود این فرد بیاید و برود خودش را معرفی کند. بعد از این سرباز فراری حاضر نشده است خودش را معرفی کند و تخلف کرده و این سرباز در سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان که به سرپرستی آقای حسینی نماینده مجلس است کار

در پایان جلسه پریروز (پنجشنبه ۲۵ اردی بهشت) سید احمد حسینی نماینده سیرجان از وزیر کشور سؤال خود را در رابطه با علت توقیف اوراق منتشره از طرف سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان مطرح کرد و چنین گفت: " سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان در تاریخ جمعه ۶۴/۱۱/۱۸ یکی از فرمایشات آیت الله منتظری را تکثیر و منتشر نمود. عین فرمایش معظم له چنین است: " بسمه تعالی حمله بنمایندگان مجلس و شاعر علیه آنان تضعیف مجلس و قوه مقننه است و علاوه بر حرمت آن مخالف نظر شخص امام مدظله نیز میباشد اینجا است آقایان رعایت شرعی و اخلاقی را بنمایند. سؤال ما این است طبق چه قانونی آقای فرما نداد سیرجان در روز جمععه در ملا عام هانتفید دادستان دستور می دهد و همانند ضابط خود و در مرحله اجرا می شود و اوراق منتشره از طرف سازمان تبلیغات را که فقط فرمایش حضرت آیت الله منتظری را منتشر کرده بودند جمع آوری می کنند و فوراً توسط رئیس شهربانی سیرجان آن اوراق توقیف می شود که بعد از ظهر آن را از توقیف خارج می سازند. (...)؟ پاسخ وزیر کشور

سپس حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور به سؤال مطرح شده پاسخ داده گفت اعلامیه ای به امضاء انجمن های اسلامی دانش آموزان سیرجان مدت یکماه و اندی پیش چاپ شده بود و در سطح گسترده ای در منطقه توزیع شده بود

فصلنامه سهند منتشر شد

شماره های ۵ و ۶ فصلنامه سهند در یک مجلد طبع و نشر شده است. با این شماره، فصلنامه دومین سال خود را آغاز می کند و شورای نویسندگان یک بار دیگر در " سرآغاز " تاءکید می ورزد.

" ... تصدما ایجاد یک جنبش فکری در فضای اندیشه و روان ایرانی است و افزاردستیابی به چنان هدفی، عرضه داشت سلسله مقالاتی است که بطور هماهنگ و در بیوند با یکدیگر، اندیشه ملی را پشتیبان باشد. ... سهند، برایین وعده خود پایدار ایستاده است، چنانکه در همین شماره سهم عمده موضوعات مورد بررسی در اطراف " جنبش های ملی و جایگاه اجزای ملی "، " پیرامون ملت و ملیت "، " روایتی دیگر از ملت "، و " در آمدی بر مفهوم ملت " دور می زند.

فصلنامه، در این شماره به ترجمه و نشر دودستان کوتاه از دینوبوزاتی نویسنده سرشناس ایتالیایی اقدام کرده است که اقدامی درخور توجه است زیرا مجله ای در ۳۷ صفحه نیاز به فضا های دلپسند دارد به ویژه این که این دودستان بوزاتی از نظر موضوع بسیار هشیارانه برگزیده شده است.

" سهند " را میتوان ارگان فکری همه کسانی دانست که در جستجوی نظریه ای جنبش ملی و فکر سیاسی ملی به تاءمل می پردازند و بر سرآندند تا بانفی پروژه های غیرملی و ضد ملی از هردست و هرافق سیاسی، بنیادهای اندیشه ملی را بنا گذارند.

داستان موش ها، اثر بوزاتی را از سهند شماره ۵ و ۶ در زیر نقل می کنیم:

موش ها

نویسنده: دینوبوزاتی

ترجمه: شیرین خجسته

ما چرا ی کوریوها چیست؟ در خانه ما قدیمی شان در خارج از شهر " دوکانلا " چه می گذرد؟ از سالها پیش هر تابستان میهمانم می کردند، اما امسال برای نخستین بار بی خبرم گذاشته اند. نامه حیوانی هم چیزی را برایم روشن نمی کند، نامه ای غریب که تنها در چند سطر به مشکلات و گرفتاری های خانوادگی اشاره ای مبهم می کند و دیگر توضیحی نمی دهد.

امروز برای نخستین بار ناگهان خود را با خاطره های قدیمی رودرویا فتم و پیش آمدهای که در آن دوران جزئی و پیش پا افتاده بنظر می رسیدند رنگی

دیگر گرفته اند. مثلا" این یکی:

در یک تابستان دور، مدت ها پیش از جنگ دومین باری که میهمان کوریوها بودم... در اطاقم که طبقه دوم خانه قرار داشت و پنجره اش رو به باغ بازمی شد - همان اطاقی که در آن روزها در آنجا بودم و آما ده خواب می شدم که ناگهان صدای خفیفی شنیدم. از پائین در صدای خرت خرت آمد.

در را باز کردم. موش بسیار کوچکی از میان پا هایم به آن سوی اطاق گریخت و زیر کمد مخفی شد، با ناشی گری فراوانی بیورتمه می رفت، طوریکه به سادگی می توانستم بگیرم. اما آنقدر ظریف و شکننده بود که...

صبح روز بعد بی هیچ اندیشه قبلی جریان را برای حیوانی بازگو کردم. با حواس برتری پاسخ داد " بله می دانم. موش ها گنگاه در خانه گردش می کنند. " - آنقدر کوچک بود... احساس کردم نمی توانم مثل یک آدم ظالم آن را... آره، می فهمم... مهم نیست.

و موضوع را عوض کرد، طوریکه بنظر می آید گفته های من آزارش می دهد. سالی دیگر هم گذشت - تازه وارد خانه شده بودم که چشم به دو گریه بر اطاق و با شکوه افتاد. هر دو پیرا زنیروئسی خارق العاده بودند، گریه های پلنگی با عضلات نیرومند پوست نرم و مخملی، شیهه پوست گریه ها ئی که فقط از موش تغذیه می کنند.

به حیوانی گفتم " مثل اینکه بالآخره دست بکار شده ای. حتما " حسابی کشتار می کنند و هرگز با بت بیکاری حقیق نمی گیرند. " جواب داد " به آگس مجبور بودند فقط از موش تغذیه کنند که بیچاره ها تا بحال... "

" ظاهرا " که خوب چاق و چله اند. " - " بله، چون ما از شان مواظبت می کنیم. میدانم، در آشپزخانه هر چه

بخوا هندی خوردند.

سالی دیگر هم گذشت. مثل همیشه برای گذراندن تعطیلات تابستان به منزل کوریوها رفته بودم که بار دیگر گریه ها را دیدم. اما هیچ شیهه ای سال گذشته شان نداشتند: همه نیرویشان را از دست داده بودند و لاغر و فرسوده و از نفس افتاده بنظر می رسیدند. دیگر در اطاق های مختلف خانه نمی چرخیدند، بلکه با حالتی سرافکننده و خالسی از ابتکار مدام میان پا های آقا و خانم چرت می زدند. تگران شدم.

" گریه ها مریضند؟ چرا اینقدر لاغر شده اند؟ مگر دیگر موش نیست که بخورند؟ "

حیوانی کوریو با حرارت پاسخ داد " آئی گفتم! این ها احمق ترین گریه های روزگارند. از وقتی در خانه موش پیدا نمی شود به هیچ خوراکی قانع نیستند. میدانم، دیگر حتی یک موش هم در این خانه پیدا نمی شود. " و در حالی که با رضایت می خندید از اطاق بیرون رفت.

کمی بعد، جیورجیو، فرزند ارشد کوریوها دستم را گرفت و مانند کسی که خیال توطئه داشته با شدم را به کناری کشید.

" میدانی چرا می ترسند؟ " - " کی ها می ترسند؟ " - " گریه ها، گریه ها می ترسند. پسر ما یل نیست در با ره اش صحبت کنیم. آخر نا حاشی می کند. با این حال راستش اینست که گریه ها می ترسند. " - " از چه می ترسند؟ "

" خوب معلوم است، از موش ها، سال گذشته این حیوان های کثیف ده، دوازده تا بیشتر نبودند، اما حالا مدتا هم بیشترند. آن هم نه موش های کوچک سابق. آدم باورش نمی شود.

موش‌ها

بقیه از صفحه ۷

عزیز کوچولو! از آنها نفرت دارند ولی در عین حال می‌ترسند و نمی‌خواهند شمشان را برانگیزند.

و این وضع چندین سال دوام یافت، تا تابستان گذشته، در آنست که رشتنیسند سروصدای همیشگی انبساطی مانده بودم ولی سکوت بر سر آنجا نه حکم فرما بود. با خود گفتم، سرانجام به آرامش رسیدیم. صبح روز بعد در راه پله‌ها به جیورجیو برخوردیم.

گفتم: "آقرین بر شما چگونه است؟ شرفان را بکنید؟ دیشب هیچ صدایی از انبساطی نمی‌آمد."

جیورجیو با لبخندی محو مرا نگریست و گفت: "پس بیا، بیا بریم تا نشانت بدهم. مرا بسوی زیرزمین هدایت کرد. در آنجا گودال عمیقی بود که دهانه‌اش را با تخته‌های بزرگ پوشانده بودند.

جیورجیو منم کرد. "آنها حالا این زیر هستند. چند ماهی می‌شود که همگی در گودال فاضلاب اجتماع کرده اند و فقط گهگاه چندتایی داخل منزل می‌شوند. همه آنجا هستند، گوش کن."

جیورجیو با موش شادمانی بگوشتم رسید که مشکل به وصف می‌آید: "از حجام، همه‌های کروکورو، طنین ماده‌ای در غلیبان یا تخمیر و آواها می‌شنایم مفهوم با جیغ‌های تیز، سوت، زمزمه، چندشم شد."

پرسیدم "چقدر هستند؟"

گفت: "که می‌دانم؟ شاید میلیون‌ها. بیای نگاه کن. اما زود... کبریتی آتش زد، تخته‌ها بلند کرد و آن را با خاکل سوراخ پرتاب کرد. همه چیز را در برقی آن لحظه دیدم. در سوراخی غارگونه که هیاهوی متلاطم حجم‌های عظیم و سیاه‌هی که وحشیانه از سوراخ کول یکدیگر بیرون می‌رفتند و در این ازدحام منفور، نوعی قدرت جهنمی موج می‌زد که کسی را با رای نا بودیش نبود. موشها! و چشمهایشان را دیدم. هزاران هزار رنگه که خبیثانه به بالا چرخیدند و شران بر جای میخکوبم کرد. ولی جیورجیو با عجله تخته‌ها را بر جای نهاد."

و اکنون جیوانی برایم نوشته است که ازین پس نمی‌توانند تا بستان هماغه میمانند. چرا؟ بر آنجا چه میگذرد؟ میلی مفاومت نا پذیر مرا به آنجا می‌کشاند. تنها چند دقیقه کفا بیت میکند تا به همه چیز بی‌بهرم، چند دقیقه، همین پس اما اعتراف می‌کنم که جاسارتش را ندانم. در این باره قصه‌های غریبی شنیده‌ام. مثلاً "تعریف می‌کنند که پدر بزرگ و مادر بزرگ خانواده مرده‌اند، که دیگر کسی از خانه خارج نمی‌شود و یکی از مردان ما محتاج کوریوها را تهیه می‌کند، ولی بسته‌هایشان را در مریز بی‌بهره می‌نهد. می‌گویند دیگر کسی نمی‌تواند وارد خانه شود، که خانه در اشغال موش‌ها عظیم الجثه است و خانواده کوریو به بردگی آنها درآمده است."

یکی از دهاتی‌ها که به ویلانزدیک شده بود. ولی نه زیاد، چرا که یک دوجین از این حیوانات کثیف با وضعی تهدیدآمیز از در ورودی مراقبت می‌کردند - می‌گویند که خانم الفا همسر کوریو زان دیده است. همسر دوستم، آن زن نرم و دوست داشتنی الفا در آشپزخانه، در کنار اجاق، در لباس خدمتکاران در یک بزرگی خوراک می‌بخشد و موشهای گرسنه و حریص آنرا می‌داده‌اند. و الفا با دیدن مرد با دستهای اشاره‌ای می‌کند که: "بخودتان زحمت ندهید، خیلی دیر است، امیدما مدت‌هاست که مرده است."

می‌شوم زیرا احساس می‌کنم مخالفان رژیم خمینی منتظر نشسته‌اند تا خود رژیم بیعت تنگنا و ضدیت‌های درونی از هم فروریزد. این چنین انتظاری خطرناک است. باید همه ایرانیان متحد شوند و هر چه زودتر بر خیزند و ایران را نجات دهند. پیام اخیر دکتر بختیار بر مناسبت تظاهرات ۱۲۷ روزه بهشت برای امیدآفرین بود و با ورمی‌کنم که سال عمل و جنبش است، چون عقیده دارم رهبر نهضت مقاومت ملی، مرد عمل است.

دانشمارک - داریوش زمانی

از موش کور هم بزرگ ترند. بشمپایشان هم زحمت و انبوه شده و سر تا پا سیاه‌اند. اصلاً "گره‌ها دیگر چراغ‌ت نمی‌کنند" بآنها حمله کنند.

"و آن وقت شما هیچ کاری نمی‌کنید؟"

"خوب معلوم است که باید کاری کرد. اما پدرا صلاً نمی‌توانند تصمیم بگیرند. نمیدانم چرا ولی انگار این موضوعی شده که همه‌کوش می‌کنند صحبتش را به میان نیاورند چون پدرا خشمگین می‌کند."

سال بعد صداها از همان شب اول بلند شد. سروصدای تاب و تاب طبقه، بالاجنسان کوبیده بود که سقف را به لرزه در می‌آورد. به این میمانست که جمعیت دیگری در حال دوییدن باشند. حال آنکه من خواب می‌دانم طبقه، بالا خالیست و کسی در آن زندگی نمی‌کند. آنجا انبساطی غیر قابل سکونتی است که از زمین‌های کهنه، صدای و اشیا، بی‌ارزش دیگر پر شده. با خود گفتم عجب سوار رنظ می‌آید! مثلاً اینک موش‌ها به انداز زه‌خس شده‌اند! چنان هیاهویی بود که بسختی بخواب رفتم.

فردا سر میز صبحانه پرسیدم:

"آخر شما برای این موشها فکری نمی‌کنید؟ دیشب در انباری بالا خانه مجلس رقص بر راه انداخته بودند! و همان دم چشم به صورت حیواناتی افتاد. با حالتی مبهم گفت:

"موش‌ها؟ کداه موشها؟ خدا را شکر که دیگر در این خانه موش پیدا نمی‌شود."

(...)

اندکی بعد، با زهم جیورجیو فرزند ارشد خانواده واقعتاً را با من در میان گذاشت:

"به حرف‌های پدرم توجه نکن. صدای که شنیدی از دوییدن موشها بود. ما هم خودمان نگاه از شدت سروصدا خوابمان نمی‌برد... اگر آنها را می‌دیدم... دیگر موش نیستند، هیولا شده‌اند. مثل ذغال سیاه یا پشم‌های زحمت و سیخ، مثل شاخه‌های درخت. راستش در مورد گره‌ها هم... بله، این موشها بودند که گره‌ها را بنا بود کردند. یک شب که بخواب رفته بودیم که صدای معمولی وحشتناکی بیدارمان کرد. توی سالن طوفانی برپا بود. همگی از رختخوابها بیرون بیرون پریدیم، اما هرگز نتوانستیم گره‌ها را پیدا کنیم... فقط جای دسته‌های پشم کهنه شده و لکه‌های خون دیده می‌شد."

"پس چرا کاری نمی‌کنید؟ تله‌های زهری... نمی‌فهمم چرا بدرت هیچ اقدامی..."

"نه، اینطورها هم نیست. راستش این قضیه برای من مثل کابوس شده. حالا دیگر او هم می‌ترسد. و نمود می‌کنند که بهتر است آن‌ها را تحریک نکنیم، می‌باید وضع بدتر نشود. می‌گویند در حال نتیجه‌ای هم ندارند چون دیگر تعدادشان خیلی زیاد شده. به عقیده پدرم تنها کاری که می‌توان کرد آتش زدن انبساطی داخل باغ است... گذشته از آن، میدانم چه می‌گوید؟ ممکن است بنظر شما حقاقتاً بیاید، ولی او می‌گوید بهتر است چنین آشکار به آنها دشمنی نوزیم."

"پاکی‌ها؟"

"پا موشها. می‌گویند پدرا زود وقتی تعدادشان بیشتر شد بفرکانها تقاطع جوی می‌افتند، گاهی اوقات تصویری کثیف که پدرم را ردیدوانه می‌شود. یک شب هنگامی که او و مادر یک سوسیس بزرگ را توی انباری پرتاب می‌کردند مجشان را گرفتند، اندکی خوراک برای حیوانات

را گرفتند، اندکی خوراک برای حیوانات

سال بازگشت

من بیست و دو ساله‌ام و ده ماه است از وطن عزیزم راج شده‌ام. اما خدا گواهاست که برای بازگشت به وطن دقیقه شماری می‌کنم. اینجا و در ایران چشم امید من و میلیون‌ها ایرانی به نهضت مقاومت ملی ایران دوخته شده است. با خود می‌گویم این نهضت مقاومت است که خاکمان خدا برانی را و از گون خواهد کرد. اما در خارج از کشور گاه‌نویسید

نامه‌ها و نوشته‌ها

چاپ‌نام با نیتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشتهای شخصی نویسندگان نامه‌هاست. با تأدیر می‌تواند طبع و نشر نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان لزوماً به معنای موافقت و هم‌رازی با ارکان مرکزی نیست. ما وقت ملی ایران با مفاصل همه این نوشته‌ها نیست. این صفحه در حقیقت منعکس کننده عقاید کوناگون و به سرله نویسنده آزاد است.

نویسندگان نامه‌ها نامی کنیم نام و سنان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود با آدرسه‌ها و نشانی‌ها محفوظ بمانند. آبرون بران، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروهها حکم حرمت نوردویا غلت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد. مدوریم.

صوف ملی مبارزاتی مان را استحکام بخشند. با پیوستن به نهضت مقاومت ملی ایران قدمی بزرگ در راه بیروزی ایران برداشته‌ایم و عدم آن یعنی باز به دام انبساطی بودن و تحمیل درد فعلی. به امید پیروزی نیروهای ملی و ملت ایران و جذب سریع تمام مایه‌های برای کنده، تا سیونالیست در نهضت مقاومت ملی ایران.

آلمان غربی - بابک سهیلی

فریبکاری

گرامی نشریه قیام ایران

به نظر من بزرگ ترین گناه جناب سید روح الله واعوان وانصارش این است که برحمتی مردم سوار شدند و رضایی مردم از "آریا مهر" را در خلا فرهنگ سیاسی به بلکانی برای جهش بر سکوی قدرت بدل کردند (...)

حالا دور از جان شما و زبان لال دوباره داریم استفاده از احساسات کورو خودجوش و بی محتوای توده را در وزیر نام شما ملاحظه می‌کنیم... و آن اینکه در نشریه قیام ایران شماره ۲۵ مسلسل ۱۵۰ گزارشگر مربوطه از تهران بیامی در مورد سید کاظم شریعتمداری فرستاده است که از بند بندای نوشته‌ها گزارش بوی سوار شدن بر محقق و نا آگاهی و احساسات کورو مردم می‌آید (...)

آیا گزارشگر مربوطه یا شوروی نویسندگان که تصمیم به چاپ این گزارش گرفته‌اند بر راستی شریعتمداری را یا آنقدر مهم و درخور توجه می‌دانند؟ مگر این آقای شریعتمداری در طول این عمر ۹۰ - ۱۰۰ ساله چه گلی بر سر این مردم بینوا زده است که شما بر این قدر برایش ننه می‌گرییم بازی در می‌آورید؟ مگر ایشان غیر از آن توضیح المسائل مربوطه در سباب طهارت و نجاست و حیض و نفاس و... چه اثر علمی و ادبی و اخلاقی دیگری به طبع رسانیده است که شایسته این همه تمجید و تعریف باشد؟

در حوالا اگر واقعا "دلنان بی‌ارای ملت و مملکت می‌سوزد مطمئن باشید که شریعتمداری‌ها و امثال ایشان هیچ گلی بر سر این مردم مرزبوم نخواهند زد و بدانند که: پس شما نیست و شما ندر و زگار دل به دنیا در بندند هوشیار این که در شیشه‌ها آ آورده‌اند رستم و روئین تن اسفندیار تا بدانند این خداوندان ملک کز بسی خلق است گیتی یادگار

والسلام - در راه خدمت به مردم ایران و ایران عزیزم موفق باشید
یک خواننده قیام (امضاء محفوظ)
زوربخ - سونیس

تلفن خبری

هم‌میهنان عزیز!

هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.
شماره تلفن: ۸۵ - ۸۵ - ۳۶ - ۲۲ پاریس

فواد روحانی



مصدق ونهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

فضای طوفانی مذاکرات

"من در ابتدای مذاکرات گفتم دولت انگلستان از گوش‌ها می‌کوشد که مستر هریمین برای تسهیل حل مسئله ایران به عمل آورده است جدا" قدردانی می‌کند به طوری که گزارش مستر استوکس نشان می‌دهد آن دو به بهترین نحو همکاری کردند و مستر هریمین از هیچ گونه کوشش فروگذار نکرده است و اگر آن‌ها تاکنون نتایج‌های نگرفته‌اند از آن جهت بوده که با مردمی به کلی غیر معقول طرف بوده‌اند اما حالا مسئله اینست که بعد چه باید کرد، بنظر ما تنها امید بهبود وضع در ایران است که دولت ایران تغییر کند. سپس من از مستر هریمین پرسیدم آیا او مطلب دیگری دارد که اضافه کند مستر هریمین گفت سفر او به ایران او را به ایستادن نتیجه رسانده است که معامله با مصدق و مشاورانش غیرممکن است... بعد گفت به او اطلاع داده شده که ما دستورهائی به سفیرمان در تهران می‌فرستیم که شاه را تحت فشار قرار دهد تا مصدق را معزول و سید مصدق را جانشین او کند و او از این موضوع سخت نگران شده است. او گفت هیچ کدام از امریکائی‌ها نمی‌توانند به ایران نیایند که با آن‌ها مذاکره کرده است (از جمله شاه) سید مصدق را قادر به اداره امور نمی‌دانند. دولت آمریکا عقیده ندارد که تغییر ناگهانی دولت وضع را بهتر خواهد کرد. بلکه می‌ترسد از اینکه با یک چنین تغییر وضع حتی خطرناک تر شود. بنا بر این نظر شخصاً و اینست که دستورهائی که ما به سفیرانسیس می‌فرستیم نوعی است که وضع را بدتر خواهد کرد، نه بهتر. او توضیح کرد که ممکن است در باره امکان تغییر دولت با شاه مذاکره شود ولی بدون آن که در باره وقت تغییر یا شخص مخصوصی که جانشین مصدق شود فشاری به او وارد آید و نمی‌تواند به دولت آمریکا توصیه کند که به سفیر آمریکا در تهران دستور پشتیبانی از اقدام سرفرانسیس می‌دهد. من گفتم ما در برابر وضعی قرار داریم که ایرانی‌ها می‌کوشند در آنجا انگلیس را به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون لیره بدون مذاکره صحیح و غیرمستقیم قابل ذکر تصاحب کنند. ایران در حال حاضر دولت مؤثری ندارد و در حال آنکه وجود یک چنین دولت برای ایران بسیار ضروری است. بنظر ما تنها راه تشکیل یک چنین دولت اینست که شاه از اختیارات مخصوصی که طبق قانون اساسی دارد استفاده کند."

در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۱ (۳ مهر ۱۳۳۰) سفیر انگلیس طی تلگرافی که به وزارت خارجه انگلیس فرستاد اطلاع داد که رئیس اداره امور ایران در وزارت امور خارجه به او گفته است که نظر سنجیده آمریکا می‌تواند که در محل هستند اینست که در مرحله کنونی هیچ احتمال نمی‌رود که شاه اقدام قطعی برای کنار کردن مصدق به عمل آورد. عدم تمایل دولت آمریکا در آن زمان به اعمال نفوذ برای برکنار کردن دکتر مصدق دولت انگلیس را به هیچ عنوان از این فکر منصرف نکرد. طبق سندی که در بخش روش و نظریه دولت آمریکا نسبت به حکومت دکتر مصدق نقل شد (۲) کاردار سفارت انگلیس در تهران در طی گزارشی که در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۸ آبان ۱۳۳۰) به لندن فرستاد با زیره این موضوع برگشت که با یسد دولت دیگری جانشین دولت مصدق شود و صورت نگرفتن این تغییر را به علل زیر نسبت داد: اصرار سفیر آمریکا به اینکه یک فرصت آخری باید به مصدق داده شود، سیاست تردید آمیز معمول شاه و متشکل نبودن جبهه مخالف دولت در مجلس شورای ملی. او در پایان گزارش با لزوم موافق نمودن دولت آمریکا با تغییر دکتر مصدق به این عبارت بیان کرد: "ما باید نوعی تغییر به وجود بیاوریم اما اگر ما امریکائی‌ها در جهت واحد اقدام نکنیم به عقیده من مصدق برای مدت نامعلوم بر سر کار خواهد ماند و همان طور که مادر گزارش خود گفته ایم یک چنین وضع بسیار روخیم خواهد بود." اما در آن زمان به علت عدم موافقت شاه تغییر دکتر مصدق صورت نگرفت.

کوشش برای تجدید وساطت

در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۳۰ دکتر مصدق نامه‌ای به هریمین نوشت و اظهار نمود که بعد از عزیمت استوکس خبری از او دربارۀ تعقیب مذاکرات نرسیده ولی شنیده می‌شود که دولت انگلستان در انتظار دربارۀ فت پیشنهائی از

طرح استوکس مدت یک هفته بین او و نمایندگان ایرانی و از جمله در یک ملاقات خصوصی بین او و دکتر مصدق مورد مذاکره قرار گرفت و در این ضمن وساطت‌های مصرانه‌ای نیز از طرف هریمین و سفیر انگلیس و آمریکا برای قبولانیدن شرایط پیشنهادی به عمل آمد. اما دکتر مصدق در این نظر پافشاری کرد که طرح استوکس با فورمولی که دولت بنای مذاکره قرار داده بود منطبق نیست و اصل ملی شدن را تأمین نمی‌کند. بنا بر این استوکس در تاریخ ۲۹ مرداد پیشنهاد خود را پس گرفت اما در عین حال به منظور قابل قبول نمودن طرح خود اطلاق در ضمن بند ۴ آن به دکتر مصدق پیشنهاد کرد. از این قرار که به جای شرکت عامل یک دستگاه مدیریت تحت مسئولیت یک مدیرکل انگلیسی تأسیس و اختیار کامل به مدیر مزبور داده شود و با تصریح گردد که در هر مورد که بین نظر او و نظر دولت ایران اختلافی پیش آید نظر دولت نافذ خواهد بود اما این پیشنهاد نیز مورد قبول واقع نشد.

در همان روز استرداد طرح استوکس هریمین نامه‌ای به دکتر مصدق نوشت و با ردیگر تأکید کرد که حل اختلاف جز به وسیله سازش با سازمانی که دارای همه وسایل لازم برای حمل و نقل و فروش نفت دریا زارهای جهان باشد ممکن نخواهد بود و چنین سازشی مستلزم آنست که شرایط معامله برابر شرایط متداول در سایر کشورهای نفتخیز باشد. یعنی تنصیف درآمد فروش بین طرفین. ضمناً نامه هریمین یک تهدید تلویحی نیز در برداشت یعنی اضافه می‌کرد که "بنظر دولت متبوعه ما اینچنان نگرفتن دارائی خارجی‌ها از طرف هر دولتی بدون پرداخت غرامت سریع و کافی حقیقی یا توافقی در باره ترتیباتی که متضمن رضایت طرفین باشد ضبط و توقیف است نه ملی کردن" اما مندرجات نامه هریمین در نظریات دولت ایران تغییری به وجود نیاورد و بنا بر این میسیون هریمین - استوکس منتهی به شکست شد. روز ۳۰ مرداد دکتر مصدق گزارش مذاکرات با میسیون استوکس را به مجلسین داد و علت رد پیشنهاد ده‌ساله استوکس را به این شرح بیان نمود که سازمان عامل یا دستگاهی که به شرط مدیریت یک انگلیسی پیشنهاد شده بود در حقیقت احیای شرکت سابق خواهد بود و این پیشنهاد البته با قانون ملی شدن منطبق نیست. مخصوصاً از این جهت که شرکت ملی آزادی عمل در فروش نفت تولیدی نخواهد داشت و سازمان پیشنهادی ۵۰ درصد درآمد را نیز تصاحب خواهد کرد. مجلسین تصمیم دکتر مصدق را تأیید کرد و به او رأی اعتماد داد. در روز ۳۱ مرداد اول استوکس و روز اول شهریور هریمین ایران را ترک کردند اما هر دو قبل از حرکت اظهار نمودند که مذاکرات قطع نشده بلکه معلق گردیده است.

روز اول شهریور دیولندن دربارۀ فارسی خود اعلام نمود که هیئت وزیران انگلیس پس از دریافت گزارش استوکس به این نتیجه رسیده است که چون دولت ایران اصرار در اجرای قانون ۹ ماده‌ای دارد مفاد آن قانون برای انگلستان قابل قبول نیست. تعقیب مذاکرات با دولت ایران مفید نخواهد بود مگر در صورتی که دولت حاضر به مذاکره بر اساس معقول و منطقی بشود.

هریمین هنگام ورود به لندن ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی دربارۀ محیط مذاکرات تهران چنین گفت: "احساسات شدیدی که اکنون در ایران حکمفرما است مذاکره و بحث را بسیار دشوار ساخته و عامل دیگری هم که به این دشواری اضافه گشته اینست که دولت ایران مشا و ورین مطلع و آزموده‌ای که در امور بازرگانی نفت و وسعت عمل جهانی آن اطلاعات کافی داشته باشند ندارند. نظر به این مراتب خیلی طبیعی بود که فشارهای سیاسی بی‌تناسب دولت ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد و مانع از حل قضیه گردد... اگر تنها هم بیشتری حاصل گردد می‌توان مذاکرات متوقف شده دوباره شروع نمود." اما به طوری که در بخش بعد گفته خواهد شد مذاکرات میسیون هریمین - استوکس تجدید نگردید.

فترت چهار ماهه (شهریور - آذر ۱۳۳۰) بین دومین و سومین پیشنهاد اختلاف

بین رد پیشنهاد استوکس و طرح پیشنهادی بعدی چهار ماهه فاصله شد. در این مدت هر چند تغییری در وضع اختلاف صورت نگرفت ولی تحولاتی رخ داد که از نظر تسلسل رویدادهای مربوط به بحران نفت یا دوری آن ضروری است.

فکر تغییر دولت

با این که مجلسین اقدام دولت را در رد پیشنهاد استوکس تأیید کردند ولی بسیاری از اشخاص که از پیشنهادش مضیقۀ ملی و رکود اقتصادی نگران بودند احساس بی‌سروسر مختارات سیاسی نیز می‌کردند عقیده داشتند که اگر دولت انعطاف بیشتری نشان می‌داد ممکن بود اختلافی حل شود. به طوری که قبلاً گفته شد هریمین و استوکس هنگام عزیمت از تهران گفتند چنانچه دولت نظریاتش را تعدیل کند ممکن است مذاکرات تجدید شود. عده‌ای از اشخاص که از جریان امور مطلع بودند با توجه به این اظهار شروع به تبلیغ این فکر نمودند که دولت سازگارتی با بدروی کار بیاید و فعلاً لیت‌ها می‌درخفیه بمنظور بر سر کار آوردن قوام السلطنه یا سیدضیا؛ صورت گرفت. بدیهی است که شرکت نفت و دولت انگلیس به هر طریق که می‌توانستند برای وقوع یک چنین تغییرات عمل نفوذ می‌کردند.

بعد از بازگشت هریمین به آمریکا جلسه مشورتی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۰ شهریور ۱۳۳۰) در وزارت خارجه با شرکت هریمین و سفیر انگلیس تشکیل شد. سفیر همان روز جریان مذاکرات جلسه را به تفصیل به وزارت خارجه انگلیس گزارش داد. ما ترجمه قسمت‌هایی از گزارش مزبور را نقل می‌کنیم (۱).

طرف ایران می‌باشد. بنا بر این دولت اظهار می‌کند که حاضر است مذاکرات را بر اساس چهار اصل زیر تجدید کند: فروش نفت به مقدار نامحدود به انگلیسی‌ها به قیمت بین المللی با این تفاهم که شرکت سابق صدی پنجاه قیمت را برای تصفیه غرامت خود نگاه دارد، تأسیس یک شرکت بین المللی با مشارکت ایران برای حمل و نقل و توزیع نفت به جای سازمان خرید پیشنهادی استوکس، تعیین غرامت شرکت سابق یا از روی ارزش سهام شرکت یا طبق قوانین سایر کشورهای به وسیله مذاکره دوستانه، و نگاه داشتن کارخانگان انگلیسی در دست‌های فنی. روز ۲۳ شهریور هریمین به نامه دکتر مصدق چنین جواب داد که دولت انگلیس در مشارالیه همان مطالبی است که قبلاً هم به استوکس اظهار شده بود و استوکس به علت عدم تطبیق نظر دولت با وضع بین المللی صنعت نفت نمی‌توانست با آن موافقت کند. وی اضافه کرد که چون دولت انگلستان اصولاً حاضر به تجدید مذاکره بر اساس پیشنهادهای معقول می‌باشد بهتر است دولت ایران در مورد تنظیم پیشنهادها عملی برآمده و از دولت انگلستان برای تجدید مذاکره بر اساس دعوت کند. پس از وصول نامه هریمین دکتر مصدق اصول چهارگانه پیشنهادی خود را در یادداشتی بدون تاریخ و امضاء شرح داد و از وزیر دربار خواهش کرد که یادداشت را به سفیر انگلیس ابلاغ کند. وزیر دربار روز ۲۸ شهریور یادداشت را به سفیر انگلیس تسلیم کرد اما مشارالیه در تاریخ ۳۰ شهریور در پاسخ اظهار کرد که گذشته از این که یادداشت رسمی نیست اصولاً محتویات آن هم پیشرفتی نسبت به روش سابق دولت ایران نشان نمی‌دهد و تجدید مذاکرات بر اساس آن مورد ندارد. به این ترتیب وساطت هریمین و مذاکره با استوکس تجدید نگردید.

وضع اقتصادی کشور

در دوره مورد بحث مضیقۀ مالی و رکود اقتصادی کشور روز بروز شدیدتر می‌شد. شرح وضع اقتصادی در مدت بحران اختلاف نفت در بخش دیگر خواهد آمد. اینجا اشاره به این نکته کفایت می‌کند که وضع معزبور احساس نگرانی و نا رضائی عموم و فکس تغییر حکومت را تقویت کرد. در جلسه ۲۱ آبان مجلس شورای ملی جمال‌آبادی ضمن شرح نامساوانی وضع اقتصادی حمله سختی به حکومت دکتر مصدق کرد و از جمله گفت: "بباید ببینیم در این هفت ماه برای این فقر و فلاکت را ازین ببریم دولت کنونی چه کرده... آیا جز اینست که در این مدت فقر و فلاکت بیشتر شده است... دکتر مصدق سرکار آمد که از شرکت سابق خلع ید بکنند. الحمد لله که کرد. از انگلیس طلب یدیش از ایران هم خلع ید شد. نفت ما هم رفت زیر زمین... دیگر بس است دیگر چه می‌گوئید و چه می‌خواهید؟ این دکان هفت ماهه باز بوده حالا دکان دیگری باز کنید." کاردار سفارت انگلیس در گزارش مورخ ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) خود به وزارت خارجه انگلیس که قبلاً به آن اشاره شد در توجیه نظر خود را بر روی کار آوردن قوام می‌گوید: مضیقۀ اقتصادی هر روز محسوس‌تر می‌شود.

۱- از آرشیو محرمانه دولت انگلیس: سند شماره

FO 371/91472/73456

۲- از آرشیو محرمانه انگلیس سند شماره

FO 371/19002-1901

بقیه از صفحه ۱

یکشنبه ۴ خرداد در آملی تئاتر ستاد مشترک یک جلسه مخصوص افسران تشکیل شده بود. چهارتن از افسران در مقابل در ورودی، ارتشبیانی از درجه سرهنگ به پایین را با زورسی بدنی می‌کردند بطوریکه اشک در چشم بسیاری از افسران حلقه زده بود. هم‌اکنون این شایعه در راهروهای ادارات نظامی دهان به دهان نقل می‌شود که میان سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضایی بر سر قتل یک افسر ارشد، بدست یک پاسدار مشا جرحه سختی درگرفته و رضایی به صیاد شیرازی سلی زده است. صیاد شیرازی به خمینی شکایت کرده ولی خمینی ضمن حمله به ارتش، پاسخی داده است ارتش هیچ خدمتی در جنگ نکرده و ما هر چه شهید دادیم، از سپاه و بسیج بوده است، بروید خودتان را اصلاح کنید."

بحران در ارتش ایران

عنا صرملی در همین گزارش می‌نویسند: در هفته آخر اردیبهشت ماه افسران واحد دریائی سپاه پاسداران در بندر پهلوی، بخش‌هایی از پاسداران نیروی دریائی را به زور تصرف کردند. فرمانده پاسداران تلاش زیادی به خرج داد تا آنها را از محوطه پاسداران اخراج کند اما پاسداران ضمن مقاومت، عده‌ای از افسران نیروی دریائی را مضراب کردند. فرمانده پاسداران ناگزیر دستور داد که افسران نظامی با استفاده از شمشیر و سلاح، پاسداران را دستگیر و محل‌های اشغال شده را باز پس گیرند.

اصحاب عمل!

بقیه از صفحه ۱

و از این قبیل کم نیستند که از علت ها آگاهند و یا خود را آگاه نشان می دهند. ریشه های درد را می شناسند و یا به شناسائی تظاهر می کنند ولی آنجا که پای چاره جویی در میسان است در پیج و خم "مصلحت جویی ها و راهنما ئیها" نا خواسته طلب را رو می کنند که پوست کنده اش اینست:

حرکت از دیگران و برکت از ما - و "دیگرانی" که از حق چون چرا محرومند، تنها ادای یک وظیفه بر آنها مقرر است و آن گسترده سفره است و مهلتی هم برای تدارک و کنکاش ندارند - باید قیام کنند و کار را بیکسره.

نویسنده ای این سطور چندی قبل، ضمن گفتگویی با یکی از این قماش اصحاب "اصالت عمل" مصادق تمام عیار را از این گونه "راهجویی ها" و "صلاح اندیشی ها" را بازشناخت.

"به عقیده من باید از بسیاری سرمایه گذاریهای فکری و طبعی "مادی، در کار تلاش های بیرون - مرزی و درون مرزی چشم پوشید و در عوض همه نگاه ها و نیروها را به سرکوب رژیم سوق داد. چرا که با اندک تاء خیر و متلطم همه هستی و هویت ما را میمال است".

چون "توصیه اش" از یک "اندر زود لالت" کلی تجا زنی کرد، ناچار به اصرار خواستم، از طرح مورد و نمونسه در بیخ نکند. توجهش دادم که "توصیه و راهنمایی" وقتی قیمت دارد که بر جزئیاتی متکی و لااقل شامل نمونه های هم باشد. تا طرف بدانند، چه چیز را باید حذف کند و چطور می تواند همان حذف شده را به زخم دیگری بزند؟ چرا که تا مطلب شکافته و حلای نشود و مثلاً در همین زمینه از آن (بسیار سرمایه - گذاریهای زائد) لااقل نمونه ای مطرح نباشد، مسئله ای حل نخواهد شد.

اعلا حرفی پیش آمده و بگوشی رسیده و از گوش دیگر بیرون رفته است. به زحمت فراوان سرانجام، نمونسه ای را عنوان کرد:

"یکی از این کارهای پر زحمت وزائد و بی نتیجه، بخصوص در این کشور های راجی، همین نشریات فارسی زبان جورا جوست که نه بکار راجی هسا می آید و نه دردی از خود ما دوا می کند. و خود انا فاه کرد:

"مسلمان" مقصود من آن گروهی نیست که بنا بر ما - موریت و مژدی گاه گاه از زمین میرویند و چند لنترانی ببار این وجدنا سزا نشان آن میکنند و برای مدتی غیب می شوند. تکلیف این دسته و غرض و هدفشان روشن است، حق العملی برسد پیدا یند - نرسند غائبند - منظورش ریاتی است از سنخ آنچه شما هر هفته تحویل ما می دهید که نمی گویم سود مند نیست، بلکه فقط سوال می کنم ارزش "عملی" آنها چیست؟ چه شری بر سر نوشت ما و رژیم می

که مثل زالوبه بیگرمی ما بند شده است و خون می مکد، بجا خواهد گذاشت؟ آیا بهترین نیست این نیروی را که پیدا است، می تواند موثر، آرساز هم واقع شود به خط دیگری بیندازید و موجودیت رژیم را نه روی کاغذ، که روی واقعیت وجودش هدف بگیرد؟"

طرف بی آنکه از ابهام "این انتقال نیرو" ذره ای بکا هد به نتیجه نیر رسید: "بگمان من، از قلم و سخن باید گذشت و به حرکت و قدرت پرداخت. این هیولا را با نوشتن و گفتن نمی توان از پا انداخت حتی اگر در فن خود هنر را به اعجاز بدل کنید."

اعتراف می کنم که گفتگوی ما به جایی نرسید و نمی توانست برسد که حریف اگر چه آتشی در کار نبود به آتش گرفته ای میمانست و جویای آب و غافل که آب را هم با پداز جانی جست و بتصور من، انگیزه ای این ساده نگریها و آسان گیری ها، مخصوصاً "نزد آن گروه که دستی از دور بر آتش دارند و لااقل نفس آزاد را نابخاشند، تنها وسعت و شدت مصیبت نیست - این گذر عجلانه از مسائلی تا این پایه حیاتی از عوارض دیگری نیز ریشه می گیرد که یکی از جد ترین آن ها میراث دهها ساله ای است که "تفکر" رانفی کرده است.

آن عادت که انسان را در قیبال هر "عملی" خود خنود به اندیشیدن و کاویدن دعوت می کند، از اکثر ما سلب شده و این است که وقتی کسی پیدا میشود و استدلال می کند، دستیابی به هر منظوری و مثلاً همین (سرکوب رژیم)، مستلزم تاء مین شرایط و امکانات است که عمده ترین آن ها آگاهی های سیاسی و اجتماعی در مردم است - فراوانند که از گروه در میروند، که (شما عمل را گذاشته و به حرف سپیده اید) - حالا فرض کنید که برای استدلال تاء صل در دنیا زها و احتمالات دورترین افزوده شود که طوفانی براه میاندا زند و بجوش می آیند. عجبی نیست درسی این همه بی تابی و خروش و التهاب، از چند و چون "عمل" مقبول خود حتی نشان نیده تا ریکی هم بدست نمی دهند.

حکایت مگر می آید که متاء سفاهه همین فرا راز تاء مل و تشخیص بود که این تحفه جهانی را بدامن ما انداخت و تجربه هم، آنقدر که شایسته است برای جمعی، بیداری بیارنیا ورد که به حکم میراث وعادت "صلاح" راز "فکر" بریده اند.

بهر تقدیر - چاره چیست؟ - به بیانه ای وجود این کمبودها و ضایعات فرهنگی، نمی توان از واقعیت ها و مصلحت ها چشم پوشید و خوشبختانه اگر نه سوز بیداری همه گیر نیست، بیدار شدگان هم اندک نیستند، نهیب تجربه کار خود را کرده است.

در تحلیل نیازها - ناچار باید مختصات ۱۵ ژوئن خبر می دهد که ملاقات دو وزیر امور خارجه برخلاف گزارش های منتشر شده، به تاء خیر نیافت بلکه لغو شد.

این روزنا مه منبع این خبر را ذکر نمی کند ولی از آنجا که دو کشور عراق و سوریه در موضوع تعویق این کنفرانس حتی بیانیهای منتشر نگردانند، بنظر می رسد اختلافات فیما بین شدید تر از آن بوده است که مقامات دو کشور بتوانند در صورتورا علامیه تاء خیر کنفرانس به توافق برسند.

بیست و چهار ساعت پس از انتشار خبر - تعویق کنفرانس وزیران، آقای جواد منصور می معاون فرهنگی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در آس هیاء تی برای "گسترش مناسبات فرهنگی و آموزشی میان دو کشور" به دمشق سفر کرد. مهمترین روابط آموزشی و فرهنگی "دو کشور در سه سال اخیر، گسیل

فضای داخلی کشور را که اکثریت غالب و بیگرمی اصلی ملت را در بر گرفته است، از ویژگیهای زندگی در فضا های آزاد که حدود ۲ میلیون از ما را جان پناه شده اند، بدقت بازشناخت - حکایت پردرد میلیون ها انسانی که در کوره های ستم می سوزند و قفس اختناق را به مراتب موثر تر از گذشته حس می کنند خود مقوله خاصی است.

آن ها اگر چه در گذشته و حال از تجربه ای زندگی در فضا های آزاد و نیز از تمرین و یا حتی مشاهده آثار "مشارکت" ممنوع بوده اند و همچنان محرومند - از جمیع حوادث و نقس درد بی فرجام، آموخته اند که پتک فاجعه، چه شد که فرو آمد و چه شد که از پا افتادند و اگر بنیاد اختناق را نیز هر روز تنگتر و تنگتر می بینند ولی بحکم تکرارها داستان چاه و چاله را در عرصه های عمل تجربه کرده اند و به همین دلیل می توان پیش بینی کرد همینکه فرصتی به جویان بچویند تن به راه و رسم رفته نخواهند داد، با اینهمه چون در دام مصیبت گرفتار رند، فریادشان به نجات نا منتظر و غیر طبیعی نیست.

پس مسئله رادار ارتباط با حال و قبال این قریب دو میلیون جلالی وطن کرده دنبال می کنیم، بخصوص از این با ست که اکثر، بهره مندا ز تخصص هائی هستند که این کشور ویران شده، فردا از جذب و حضور آنها ناگزیر است و مهمترین از این، انکار نیاید کرد که این گروه بالنسبه کثیر و موثر با هرتوشه ای فکری و عقیدتی در بنای نظام آینده اشتر خواهد شد.

جنبه ای حیاتی مسئله، بیشتر و بیشتر ظاهر خواهد شد، وقتی این پرسش اصولی را پاسخ بچوینم: آیا قصد گفت همان بذری است که حاصلش را خرمن کردیم و به جرقه های سوخت و فتنه شد؟ - و یا توسل به طرحی است که بقای ملی را در مشارکت ملی تبلیغ میکند؟

دیدگاه های ملی که بالطبع متکی به ارزش های دمکراسی است، روشن است - پس با یک میلیون نیز بی گفتگوست: ما تسدگار و مطونیت ما در این است که مشارکت ملی جا با زکند. توجه دارید که راجی در کار نیست - مسئله ه ای براندا زی البته در همان جد رفیع مانع از حاکمیت ملی (در جای خود معتبر است و مسلماً به لحاظ زمان بر مسئله ای جانشینی پیشی دارد ولی گرچه موضوع مکرر است به تا کی و یاد آوریش می آرد که این دو مرحله بهم جوش خورده اند، تفکیک نا پذیرند، مگر آنکه بخواهیم یکبار دیگر به راهی حوادث تسلیم شویم که این در مصلحت ملت ایران و طبعاً در شاء ملیون ایران نیست - تنها راهی که با قسی میماند اینست که باید پربار از آگاهی و متکی به تجربه ها و خاصه با بیداری تمام و احساس مسئولیت در میدان بود و بر این واقعیت گردن نهاد که آنچه بر ما رسید از فقدان فکر بود، از تمیز و تشخیص مجرور بودیم و بسا زندگی در فضای آزاد بیگانه، با چنین برداشتی شک نباید کرد، آنها که برای گفتن و نوشتن و در مجموع برای روشنگری و تعلیم فرصتی و بیانشی قائل نیستند و بزرگ "عمل" مشغولند حتی اگر مردمی خیر اندیش و دل سوخته و با حسن نیت هم باشند زیانکار رند و

فقط فریاد قلب خود را منعکس می کنند و حتی بمعنای "عمل" نیز راه نبرده اند. در قبال این مسئولیت های خطیر گسدر راستای براندا زی و جانشینی مطرح است، حالا اگر برای آن دهها میلیون انسان در قفس ترمین و تجربه ای زندگی در فضا های آزاد مقدور نیست، در عوض برای این دو میلیون انسان پرا شرکه مقدور است.

با این حساب اگر بخلاف نظر آن به اصطلاح اصحاب عمل ادعا کنیم، کهه نشریات و امکانات روشنگر امروز حتی به کفایت نیست، بپرا نرفته ایم. برای ما جلالی وطن کرده ها - علی رغم با رستگین شدا ئد و در غربت، این فرصت مفتنم وجود دار که در حین ادای سهم خود در خط مقابله با رژیم و شرکت موثر در جبهه براندا زی - از آمادگی بسود بنای فردا، جدر قلمرو مسائل اقتصادی و جدر زمینه خلش مناسبات بهنجار اجتماعی و سیاسی، دین خود را بپردازیم.

خوشبختانه برای ما - هم تجربه و محصول دیگران راهنما است و هم امکانات تبادل نظر و توضیح و راهجویی مهیا است.

باید قلم ها و زبان ها را با احساس مسئولیت بکار گرفت و مخصوصاً از آزمون میزبان ها آموخت، که این یک دادوستد شقیقانه است و لو گاه به تنه ای بگراید.

باید بسا موزیم - در نوشته ها و گفته ها - تحمل مخالف با چه ما هم متعالی و مقدسی آموخته است.

باید بخود بقبولانیم که در پشت جلد ها، مصلحت های ملی نشسته اند، مسدال قهرمانی در کار نیست.

باید عمیق زندگانی همین میزبان ها را بکا ویم تا بدانیم که چرا با وسواس و اصرار بر "کثرت گرا ئی" ایستاده اند و چگونه با قبول "اندیشه ای آزاد" و "دادوستد عقیده" نه فقط از موجودیت که از قدرت و عظمت خود پاداری می کنند. بر ما است که در رهگذر آماجی به سوی هدف (براندا زی و جانشینی) به راز برآمدن آن ها که دست کم در کعبه تاریخ از ما عقب بودند و بر ما سوار شدند، آگاه شویم.

بر این نیازها مگر جز با قلم و زبان می توان پاسخی جست؟ عیب کار اینست که بعضی تحت تاء شیرا استمرار اختناق، فکر کردن را که با زتنسب عینی اش همان گفتن و نوشتن و شنیدن و خواندن است، دشمن (عمل) یافته اند، غافل که عمل تهی از اندیشه، چراغ بی روغن است.

چندبار با مغز دیگری فکر کردیم و چوب خوردیم؟ از این تکرارهای مصیبت بار رنبا یید عبرت گرفت؟ نیاز اکبرما - در همان خط براندا زی - آموختن و بیاد گرفتن الگوهای تجربه شده است.

افسانه ای غرب زدگی، این افسون جا دو گران را با ید طلاق گفت. دمکراسی در غرب شکفته شد، پس از غرب با یدش آموخت. این معارضه هیت ما نیست، سرمایه طراوت و حیا ما است.

دریخ که در این فرصت ها - از یادگیری و تمرین بپرهیزیم و با شعارهای تو خالی با زهوب زهم جا ده قیومست را آب جا رو کنیم.

دعها هزار مسافر - زائر ایرانی به سوریه بود که از این راه مدها میلیون دلار عاید حکومت حافظ اسد می شد. در ماه های اخیر حکومت ملایان، توره های سوریه را بسیا ر محدود کرده بود. در حال حاضر چنین بنظر می رسد که کوشش های ملک حسین در راه آشتی دادن دودولت بعضی به پیروزی نیا نجا میده است، اما نزدیکان پادشا ردن هاشمی نومیدی بخود راه نمی دهند.

این امیدواری مقامات اردن با گزارش محمد علی بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به حجت الاسلام خامنه ای تایید دارد، زیرا مقام بلند پایه جمهوری اسلامی در تهران گفته است: "رئیس جمهوری سوریه بر پشتیبانی همه جانبه خود از جمهوری اسلامی تاء کید ورزید."

مینیاتورهای پوپک نادر پور

مینیاتورهای پوپک نادر پور در گالری "باربیزون" در پاریس به نمایش گذاشته می شود. این نما یشگاه روز بیستم ژوئن گشایش می یابد که طی چند روز آثار از نقاش در شیوه مینیاتور ایرانی عرضه خواهد شد.

آدرس نما یشگاه: LE BARBIZON 96 - 98, RUE DE LA FAISANDERIE 75116 - PARIS

تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران - لندن شماره ۲۲۱۰۶۶۸

با استفا ده از گزارش خبرگزاری فرانسه و رادیو سراسر

تعویق کنفرانس وزرای امور خارجه

تعویق کنفرانس وزرای امور خارجه ۱۵ ژوئن خبر می دهد که ملاقات دو وزیر امور خارجه برخلاف گزارش های منتشر شده، به تاء خیر نیافت بلکه لغو شد.

این روزنا مه منبع این خبر را ذکر نمی کند ولی از آنجا که دو کشور عراق و سوریه در موضوع تعویق این کنفرانس حتی بیانیهای منتشر نگردانند، بنظر می رسد اختلافات فیما بین شدید تر از آن بوده است که مقامات دو کشور بتوانند در صورتورا علامیه تاء خیر کنفرانس به توافق برسند.

بیست و چهار ساعت پس از انتشار خبر - تعویق کنفرانس وزیران، آقای جواد منصور معاون فرهنگی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در آس هیاء تی برای "گسترش مناسبات فرهنگی و آموزشی میان دو کشور" به دمشق سفر کرد. مهمترین روابط آموزشی و فرهنگی "دو کشور در سه سال اخیر، گسیل

بسیار و چهره رساعت پس از انتشار خبر - تعویق کنفرانس وزیران، آقای جواد منصور معاون فرهنگی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در آس هیاء تی برای "گسترش مناسبات فرهنگی و آموزشی میان دو کشور" به دمشق سفر کرد. مهمترین روابط آموزشی و فرهنگی "دو کشور در سه سال اخیر، گسیل

تقاضا از خوانندگان

بعضی از خوانندگان ما تغییر آدرس خود را به موقع اطلاع نداده اند و آدرس بعضی دیگر ناقص است. به این جهت هر هفته تعداد قابل ملاحظه‌ای از قیام ایران از طرف پست برگردانده می‌شود. شورای نویسندگان قیام ایران تصمیم گرفت که فهرست اسامی مشترکین را تحت نظم و ترتیب دقیق تری درآورد. به این ملاحظه فوراً اشتراک زیر را بنظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم. تقاضا داریم پس از تکمیل آن را از نشریه بریده و برای ما ارسال دارند.

خوانندگان که دوره روزنامه را جمع می‌کنند می‌توانند مشا به فوراً روی کاغذ جداگانه برای ما ارسال دارند. بطوری که در متن فوراً زیر ملاحظه می‌فرمایند، گرفتاری‌های مادی آن عده از هموطنان که در مضیقه مالی هستند، در نظر گرفته شده و حق اشتراک آن‌ها از محل کمک‌های سایر خوانندگان مانده می‌خواهد شد.

(برای تأمین حق اشتراک این گروه از هموطنان، کمک‌های بیشتر خوانندگان عزیز که امکان آن را دارند، بختنیم خواهی بود).

بهای اشتراک با بیدار طریق بانک یا پست به فرانت فرانسه حساب بانکی قیام ایران حواله شود؛ لطفاً قبض رسید را به آدرس قیام ایران با ذکر - درخواست قیام ایران - روی پاکت! ارسال فرمایند.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین:

Nom نام خانوادگی:

Name

Prénom نام:

Firstname

Adresse:

ما یک نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مدت شش ماه دریافت داریم.

مبلغ فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه به حساب پستی نشریه حواله شد.

قبض رسید به ضمیمه ارسال می‌گردد.

ما یک نشریه قیام ایران را به مدت شش ماه دریافت داریم. ولی به علت

مضیقه مالی فعلاً امکان پرداخت حق اشتراک را نداریم.

تاریخ امضاء

(لطفاً در دایره مربوطه ضربدر بگذارد قسمت زائده را خط بزنید)

حساب پستی: حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

QYAM IRAN
C.C.P. No: 2400118/E
PARIS

را دیومحلی نهضت و اشنگتن

را دیو ایران - را دیو محلی نهضت مقاومت ملی ایران شاخه اشنگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه‌ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مادامی موج متوسط ۱۴۵۰ - را دیو W.O.I.

ماجرای دو مدرسه خصوصی در تهران

بقیه از صفحه ۲

و پرورش تصمیم گرفت مدیریت دومدرسه علوی و نیکن را عوض کند. مشکلی وزارت آموزش و پرورش آن بود که این وزارتخانه دامنه اختیارش در این نوع مدارس که خود را مدعی اصلی انقلاب و اسلام، هردو، می‌دانسته محدود بود. هنگامی که مدیران دومدرسه‌ی چیت چیت و مدرس عوض شدند، اولیای مدارس با این استدلال که وزارت آموزش و پرورش با اعزام مدیرانی که هدفشان انحلال این مدارس است قصد کارشکنی دارند از پذیرفتن مدیران جدید به مدرسه خودداری کردند. حتی گفته می‌شود که درگیری‌هایی بین بعضی از اولیای دانش آموزان و مدیران جدید به وقوع پیوسته است. همین ادعا به نفعی به دست وزارت آموزش و پرورش داد تا این دومدرسه را منحل اعلام کند و دانش آموزان را بلا تکلیف در آستانه‌ی امتحانات بگذارد.

جنگ مدرسه‌ها

و خامت وضع سبب شده ملاقاتی در تاریخ ۲۲ فروردین گذشته بین اولیای دانش آموزان و وزیر آموزش و پرورش صورت گیرد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی بانی آن بودند. وزیر آموزش طی این ملاقات سخنی بر زبان آورد که در آن روز وعده داده بود، اما اکنون یک معنای سیاسی پیدا کرده است. وزیر

به اولیای دانش آموزان گفت "چنانچه فردا قانون اینگونه مدارس (یعنی مدارس خصوصی) در مجلس تصویب شود دیگر مشکلی برای این مدارس نخواهد بود." این گفته نشان دهنده‌ی دعوا و کشمکش‌های اصلی بر سر این دومدرسه است. دو جناح رقیب، تندروهای چپ و محافظه‌کاران، در واقع منازعه بر سر تصویب قانون مدارس خصوصی را در پیس این دومدرسه قرار داده بودند و از آنجا که اغلب اولیای دانش آموزان این دومدرسه از افراد صاحب نفوذ در رژیم هستند با فشار بر آنان قصد داشتند در مورد تصویب این قانون امتیازاتی از جناح رقیب بگیرند و با تهمت بستن به آن‌ها که طرفدار سرمایه‌داری هستند از نفوذ و حیثیتشان در جا معبک‌ها کنند. اولیای مدارس چیت چیت و مدرس حتی دست به داد من‌ها شمی رفسنجانی شدند و طی نامه‌ی از او خواستند که آستین بالا بزنند و این مشکل را حل کنند. آقای هاشمی رفسنجانی درحالی که این نامه یادداشتی آمرانه نوشته اند که خود یک سند درخور توجه است، به این مضمون:

" جناب آقای اکرمی

با این گونه موارد باید با درایت برخورد شود که به اینجا نکند، در شرایط کنونی کشور نباید اجازه‌ی ساله‌آفرینی به ما مورانتان بدهید. اکبرها شمی رفسنجانی.

اما هنوز یک ماهی از این دست‌آمرانه نگذشته بود که "ماء موران" آقای اکرمی، وزیر آموزش و پرورش، نوجوانان حزب الهی را به این دو مدرسه گسیل کردند، پرونده‌ی دانش آموزان را ضبط کردند و حتی مستخدمان و سرایداران آن‌ها اجازه‌ی خروج نمی‌دهند. زمینه‌ی اجتناب و روانی این کار از طریق جمع آوری طومار از معلمین مدارس گوشه و کنار و کثرت گرفتار، اما عبدالحسین ماه و بر خسی از دست اندرکاران سندها را در اختیار دارند که نشان می‌دهد بسیاری از معلمانی که این طومارها را امضاء کرده‌اند زیر فشارتن به این کار داده‌اند و انجمن‌های اسلامی آنها را تهدید کرده‌اند که اگر این طومارها را امضاء نکنند آن‌ها را از مدرسه اخراج خواهند کرد.

واقعیت اینست که اولیای دومدرسه‌ی چیت چیت و مدرس قصد دارند تا بهترین امکانات را برای آموزش فرزندان نشان فراهم کنند. بخصوص که تمام جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن آن بوده که سطح آموزش را یکدست سازد، به این معنی که سطح آموزشی را تا زایلترین حد برساند که ما نندتما می رژیم‌های به اصطلاح "مردمی" بتوانند دعای تسای بکنند البته تسای در فقر و نادانی. اولیای با نفوذ این گونه مدارس چنین نمی‌خواهند دست‌کم توقع دارند که امتیازات آن به عنوان "نخبگان" جمهوری اسلامی شامل آموزش فرزندان نشان نیز بشود. البته جناح رقیب این امتیازطلبی را به عنوان نقطه‌ی ضعف قلمداد میکند تا بتواند در مبارزه‌ی قدرت حریفان را از مرکز بیرون براند. در نتیجه حل مسأله‌ی دومدرسه‌ی چیت چیت و مدرس اساساً "بسته به موفقیت یکی از این جناح‌هاست.

قابل توجه

خوانندگان مقیم خارج از فرانسه

خوانندگان مقیم خارج از فرانسه که در زمینه حواله وجه اشتراک نشریه مشکلی داشته‌اند می‌توانند به آدرس‌های ذیل، به شرح زیر، مکاتبه نمایند.

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MUNCHEN 12
W. Germany
آلمان فدرال

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA
اتریش

PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A
امریکا

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND
انگلستان

PO BOX 130
14600 TULLINGE
SWEDEN
سوئد

TBS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA
هند

NEHZAT
P.B. 246
3230 AE BRIELLE
HOLLAND
هلند

A.CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN
اسپانیا

NAMIR
PB-1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA
کانادا

میخواره، عاشق پیشه و ماجراجو

بقیه از صفحه ۵

مانکن ۲۵ ساله‌ای آشنا می‌شود، بهیچ روی نمی‌داند که بحرقره‌اش مهر رویان زده خواهد شد. به می‌خواهد که روی می‌آورد و برگویی پیشه می‌کند. زیاد حرف می‌زند، شاید از آن روی که زیاد می‌داند و حتی تا آنجا پیش می‌رود که آشکارا دعوی تروریست بودن می‌کند. به یقین این بار از ماء موریت سری اش سخنی نمی‌گوید. دست سرنوشت در روز هشت ماه مه او را نشان می‌کند. سیاه مست و عربده‌جو و تهدیدآلود وارد آپارتمان می‌شود. که زن برادرش در آن زندگی می‌کند. زن وحشت زده پلیس را می‌خواند و از حبیب بخاطر اخلاق درآرامش ساکنان ساختمان شکایت می‌کند. حبیب بر آن می‌شود تا همه چیز را به پلیس بگوید. معشوقه تازه یافته نیز حرف‌های زن برادر را تصدیق می‌کند. پرونده حبیب هرلحظه قطورتر می‌گردد. والیبه از این پس پروپیمان ترنیز خواهد شد. حبیب با ذوق و شوق جزئیات همه عملیاتش را تعریف می‌کند. و حتی جزئیات حالات روحی و ترس و تردیدهای را که سبب می‌شدند تا بعضی فرمانهای کارفرما باشد را اجرا نکند، شرح داده است. و حالا اینان برای تلافی جویی از تروریست مزدورشان دلایلی چند در دست دارند. حتی به همین دلیل هم برای حبیب بهتر آن است که در زندان باشد تا در هوای آزاد.

اونمان دوپاری - ۱۲ - ۱۸ ژوئن

حشمت مهاجرانی :

غیبت تأسف بار

حشمت مهاجرانی، مربی پیشین تیم ملی ایران و مربی فعلی تیم ملی امارات متحده عربی، در یک مصاحبه با دفتر نشر اروپائی رادیو ایران، غیبت ورزشکاران جوانان ایران را در میدان های جهانی ورزش، تأسف بار خواند. مهاجرانی می گوید: اگر رژیم خمینی نیا آمده بود و جریان ورزش در ایران مسیبر طبیعی خود را طی می کرد ما امروز در مسابقات جهانی فوتبال جزو سه تیم نخست جهان بودیم... حشمت مهاجرانی، که در ماه اوت آینده برای تیم خود یک اردوی ورزشی در منطقه ویشی فرانسه برگزار خواهد کرد اعلام داشت که بزودی چند تن از فوتبالیست های ایرانی از جمله حسن روشن و مهرداد شاهرخی، چهره های درخشان تیم ملی ایران در تیم های ملی کشورهای خلیج فارس عضویت خواهند یافت. بنا به گفته حشمت مهاجرانی، در مسابقات فوتبال جام رمضان که در امارات متحده عربی برگزار شد، تیم تبعیدی ایران توانست به مقام نخست دست یابد.

سوره شبك جرم

دولت آمریکا اعلام کرد ممنوعیت صدور موادی را که برای ساختن سلاح های شیمیایی به کار می رود، شامل دولت سوریه نیز کرده است. برنارد کلب سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ضمن اعلام این مطلب، گفت: ممنوعیت صدور این مواد از دو سال پیش، فقط شامل جمهوری اسلامی و عراق می شد. و اکنون برای آمریکا این نگرانی وجود دارد که سوریه دست به ساختن سلاح های شیمیایی بزند و آن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد. بر اساس اظهارات این سخنگو، آمریکا در جنگ میان جمهوری اسلامی و عراق، با حفظ بی طرفی، سعی بر آن دارد که از طریق میانجی گیری به این جنگ پایان دهد. برنارد کلب گفت: در چارچوب همین تلاش است که آمریکا با ممنوعیت صدور مواد اولیه ای که برای ساختن سلاح های شیمیایی به کار می رود، سعی بر آن دارد که از به کار گرفته شدن آن، توسط هر یک از دو طرف درگیر در جنگ جلوگیری کند.

خبرگزاری فرانسه

مسئله گروگان ها

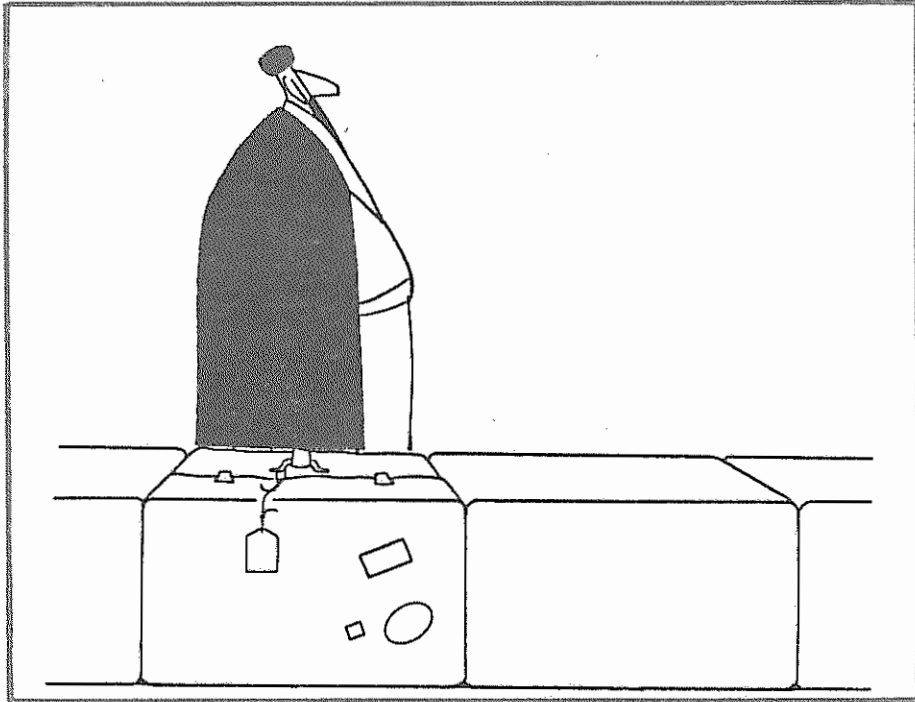
محمد علی بشارتی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز دهم ژوئن اعلام کرد که مسأله گروگان های خارجی در لبنان به هیچ وجه ارتباطی با جمهوری اسلامی ندارد. بشارتی که به قصد میانجی گیری میان جنبش شیعی امل و سازمان های فلسطینی در لبنان به بیروت سفر کرده اظهار داشت: "مسأله گروگان های آمریکایی و فرانسوی به ما ربطی ندارد و ما هیچ نقشی در این عملیات نداشته ایم و به همین دلیل نیز در آزادی آنسان دخالتی نخواهیم کرد."

فروش سلاح به عربستان

رونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا موفق شد آرای موافق لازم را در کنگره آمریکا در مورد لایحه فروش سلاح های ما فوق مدرن به عربستان سعودی به دست آورد. کاخ سفید و اشنگتن فروش این سلاح ها را بخاطر حفظ منافع آمریکا در خاورمیانه، ضروری دانسته بود. این قرارداد به ارزش ۲۵ میلیون دلار شامل فروش ۱۶۶۶ موشک هوا به هوای سایدوایندر و ۱۵۰ موشک دریایی دریای هارپون است که از سال ۱۹۸۹ به عربستان سعودی تحویل داده خواهد شد. رونا لدریگان که از این موفقیت ابراز خوشنودی می کرد، گفت آمریکا به

قضیه آن دو ذرع پارچه

بقیه از صفحه ۱



مادق طباطبائی هفته ها دربار زداشت بسربرد و تلافی زیادی به عمل آمدت با لایحه آقای "گنیش" وزیر امور خارجه آلمان فدرال شخصاً با هم می آمدند و مقامات قضائی را قانع کرده که بیخاطر منافع عالی کشورشان، چشم رویبهم بگذارند و اجازه دهند مادق طباطبائی با قید ضمانت از زندان آزاد شود و "قاچاقی" از آلمان بگریزد و بعد از رفتنش دادگاه او را بطور غیابی محکوم کند. در قضیه پارچه ای برادر جانی خوشبختانه چون اولیاء دولت اسلام مثل گذشته بی تجربه نبودند هیچ کدام از این دردسرها پیش نیامد. هم آقای دکتر رجائی خراسانی و هم سخنگوی وزارت امور خارجه وهم مقامات دیگر جمهوری اسلامی از زمان ابتدا یکصد اعلام داشتند دست جنایتکاران امپریالیسم در کار بوده است و می خواستند با همان پیشزمی که اتهام قاچاق تریاک و بمب گذاری و آدم کشی و آدم ربایی به شخصیت های عالیندر جمهوری اسلامی وارد می کنند تهمت دزدی هم به آن ها بزنند. هوشیاری جمهوری اسلامی تا اینجا قابل تحسین بود اگر به همین اندازه که کتفا می کردند سروصدا می خوا بیدومکن بود واقعا "کسانی هم باور کنند که قضیه سرقت از فروشگاه داستانی معمولی یا حداکثر سوء تفاهمی بیش نبوده است ولی از قرار معلوم توطئه دیگری در کار است و امپریالیسم شیطان مفت این با رتوی جلد حجت الاسلام خا منهای رفته است که نگذارد قال قضیه بخوابد. مدافعات حجت الاسلام خا منهای از نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، حتی آن بچه های سیزده، چهارده ساله ای را که نسوار لبیک یا خمینی بدور سرشان بسته اند و میل داشتند با ورکتند داستان بارانی از نوع عملیات ساخته و پسر داخته رسانی رسا نه های صهیونیستی و امپریالیستی بوده است به شک انداخت و آن ها هم اکنون دیگری دانند یک چیز کسی

خودش او را به منزل برساند و ضمن راه چند کلمه ای هم راجع به روابط سیاسی ایران و آمریکا حرف بزند و آقایی سفیر به تنهایی می گوید به شما این قضیه ارتباط ندارد و ما با شما روابط نداریم و دنبال روابط هم نیستیم. با زفرده همین ماء موراف بی. آی. تلفن می کند و همان جواب ها را می شنود و آن وقت تهدید می کند که اگر شما حاضر نشوید با من حرف بزنید قضیه را به تلویزیون و مطبوعات می رسانم و ما بقی قضا یا... بین آن بسیجی های سیزده، چهارده ساله به احتمال زیاد هستند بچه های بی که می دانند "اف. بی. بی." یا "پلیس فدرال" یا به عبارتی دیگر اداره شهر با نی آمریکا است و ماء موراف بی. آی فقط به امور جنحه و جنایت مدخله می کنند نه به امور سیاسی. آن دستگا هی که در زمینها مورسیاسی و امنیتی فعالیت دارند اسمش اف. بی. آی نیست، به آن می گویند "سی. آی. ا." یعنی همان که ما ایرانی ها با ختم مبار می گوئیم "سیا" و اگر یکی از ما مورین اف. بی. آی در کارهای سیاسی از قبیل تماس و مذاکره با سفرای خارجی دخالت کند، همان "سی. آی. ا." پوست از سرش می کشند. همچنین بین آن بسیجی های سیزده، چهارده ساله مطمئناً هستند بچه های بی که می دانند سازمان ملل متحد اگر چه مقرش در نیویورک واقع است ولی برای خودش به عنوان بزرگترین مرجع بین المللی استقلال نام و متمم نام دارد و حفظ حیثیت و شئون نمایندگان کشورهای مختلف از وظایف اساسی دبیر کل سازمان ملل متحد بشمار می آید. جمهوری اسلامی هر لحظه می تواند دسته است و می تواند از دبیر کل سازمان ملل متحد رسماً درخواست کند برای رفع توهین از نماینده محترم جمهوری اسلامی و باز کردن دست توطئه گر امپریالیسم در باره اتهام وارده تحقیقات فوری بعمل آورد و نتیجه تحقیقات را به اطلاع جهان بیاورد. تحقیق در باره سرقت بارانی از تحقیق در باره کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی دشوار تر نیست. چرا جمهوری اسلامی چنین درخواستی نمی کند و بچه علت دبیرخانه سازمان ملل متحد در کمال شرمساری سکوت اختیار کرده است؟ همچنین بین آن بسیجی های سیزده، چهارده ساله یقیناً پیدا می شوند کسانی که کلمه "سو" به گونشان رسیده باشد. "سو" کلمه ایست که در آمریکا بر پشت سفیر و کبیر لرزه می اندازد. "سو" یعنی درخواست غرامت در آمریکا به محض آنکه شخص مستمسکی بدست آورد و بتواند مدعی شود که به نحوی از آنجا به حقوق خود و تاج و تزیینش از زمین رهگذر صدمه مالی یا جسمی یا روحی به وی رسیده است به دادگاه می رود و طرف مقابل را، اعم از اینکه شخص حقوقی باشد یا حقیقی، "سو" می کند. به جای این همه روضه خوانی و بیهودگی آقای دکتر رجائی خراسانی در کلمه عرض حال بدهد و فروشگاه آکسلسدر نیویورک را "سو" کند، با غرامتی که در صورت حاکم شدن عاید آقای دکتر رجائی خواهد شد می تواند برای خودش در نیویورک یک فروشگاه بزرگ لباس داشته باشد. این که چرا سفیر آیت الله و مشاوران حقوقی جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده نمی کنند برای ما معلوم نیست. شاید به دلیل اینست که مدیر فروشگاه آکسلسدر راست می گویند و فیلم کامل سرقت را که توسط دوربین مخفی فروشگاه ضبط شده است در اختیار

میلیون دلار موشک های استینگر را از لایحه پیشنهادی حذف کرد. تعداد زیادی از اعضای کنگره ترس از این داشتند که این موشک ها، به طریقی به دست تروریست ها بیفتد. خبرگزاری فرانسه

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

خاورمیانه، برای صلح جهانی اهمیت حیاتی دارد و ما باید اعتماد دولت های عرب میانه رو را نسبت به خودمان حفظ کنیم. لازم به یاد آوری است که ریگان برای به دست آوردن آرای لازم در کنگره ای آمریکا، قسمت مربوط به فروش ۸۹

امنیت و بهبود وضع عربستان سعودی اهمیت می دهد و ثبات وضع در خلیج فارس را یک مسئله حیاتی می شمارد. بعلاوه آمریکا متعهد شده است که آزادی کشتیرانی در خلیج فارس را تا میمن کند. وی همچنین گفت: نفوذ آمریکا در

